

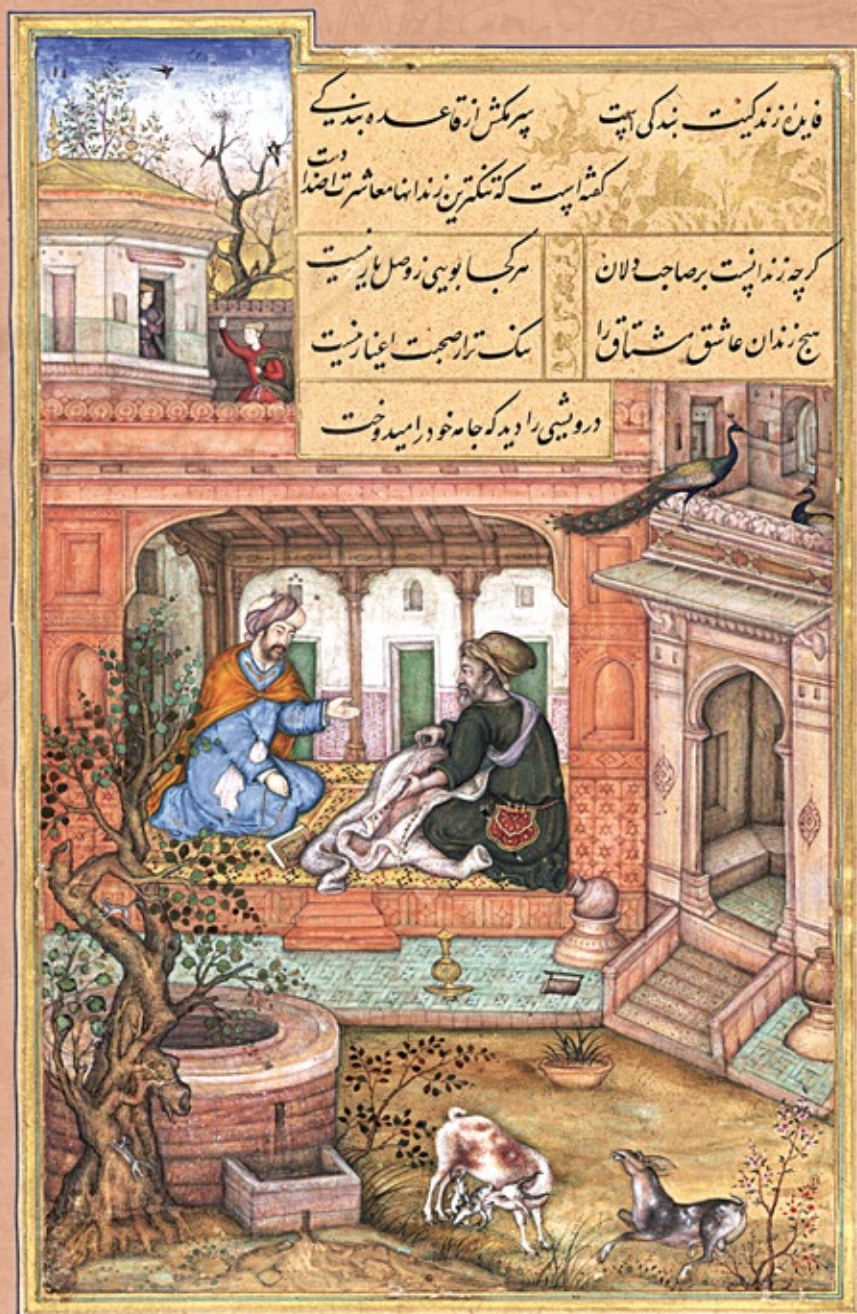
کنز الدین

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرسخن: چرا از ترجمه غافلیم؟ • رساله‌ای درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مراد رنده، ترجمه: حسین معصوم همدانی • یک داستان عاشقانه دور از انتظار: ارزیابی مجلّه انتساب خسرونامه / آسین ارمی، ترجمه: شکوه سیدی • ابوالسحاق کازرونی و دوروش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوروش، ترجمه به آلمانی، پ. وینک، ترجمه از آلمانی به ترکی، جمال کوروش، ترجمه به فارسی

بحث لغوی: • نسخه‌ای نویافته از هزار حکایت صوفیان: حداد غانمی‌پور • دوستی شاه خرمسه / سید احمدرضا قائم‌مقام • بیاض صائب / سید جعفر حسین اشکوری • استنراقاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حیدرآبادی، سلمانی • آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حیدرآبادی، سلمانی • بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه نظایف / محسن شریف صبیح • مکتوبات قدیم یا مکتوبات صلیبی؟ اندکی بر نام یک اثر / محمّدصادق غانمی • بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الالباب / سارا سلیمان کشکولی • بررسی ابیاتی از تفریحی سیستانی بر اساس جنگ یحیی توفیق / کامیاب نامور • زیر ردای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / رحانه بهبودی • اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌قاره / عارف نوشاهی • نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرزنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آبدلو • ترجمه یا مرجع؟ (نویسنده‌ای درباره پژوهشی در طبایع الحیوان) / یوسف الهادی، ترجمه: سلمان ساکت • ملاحظاتی در متن تصحیح‌شده عجایب الدنیا / سید رضا موسوی طاهری، راجدان رسول مهرابی • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۲) / یک لقب و منصب پادسی در اسناد آرامی باستان / والتر پروتو هینیک، ترجمه: سید احمدرضا قائم‌مقام • ایران در متون و منابع عثمانی (۲۳) / آثار احمد جودت‌پاشا / تصوف صلیبی / توضیحی درباره «اسیر زانی» و «شین زانی» / علی‌شرف صادقی • چند - چند / سمور رستمی‌پور





۹۲ - ۹۳

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از بهارستان جامی، نسخه مصور
دستگاه تیموریان هند، نستعلیق ممتاز حسین زرین‌قلم
در سنه سی و نه الهی (۱۰۰۳ق) در دارالخلافه لاهور.
نگاره از آثار قلم بساون (Basavan) نگارگر چیره‌دست
هندی. (انگلستان، بادلیان، MS. Elliott 254)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سرزنش

چرا از ترجمه غافلیم؟ ۳-۴

بستار

- رساله‌ای درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مروان راشد؛ ترجمه: حسین معصومی همدانی ۵-۸
یک داستان عاشقانه دور از انتظار؛ ارزیابی مجلدانتساب خسرونامه / آستین اوملی؛ ترجمه: شکوفه میبیدی ۹-۳۳
ابواسحاق کازرونی و درویش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوپرولی؛ ترجمه به آلمانی: پ. وئیک؛ ترجمه از آلمانی به ترکی:
جمال کوپرولی؛ ترجمه به فارسی: حبیب فخری ۳۴-۴۰
نسخه‌ای نویافته از هزار حکایت صوفیان / حامد خانی‌پور ۴۱-۵۰
دوستی خاله خرسه / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۵۱-۵۵
بیاض صائب / سید جعفر حسینی اشکوری ۵۶-۵۹
استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حمیدرضا (بابک) سلمانی ۶۰-۶۶
آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حمیدرضا فهندژ سعدی ۶۷-۷۲
بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صبحی ۷۳-۷۵
مکتوبات قدیم یا مکتوبات صلی؟ (درنگی بر نام یک اثر) / محمّدصادق خاتمی ۷۶-۷۸
بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الالباب / سارا سلیمانی کشکولی ۷۹-۸۰
بررسی ابیاتی از فرخی سیستانی بر اساس جنگ یحیی توفیق / کیامهر نامور ۸۱-۸۷
زیرردای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / ریحانه بهبودی ۸۸-۹۵

نقد و بررسی

- اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌قاره / عارف نوشاهی ... ۹۶-۹۸
نکاتی درباره تصحیح تازه فرامر زنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آیدنلو ۹۹-۱۱۳
ترجمه یا مرجمه؟ (توضیحاتی درباره پژوهشی در طبائع الحیوان) / یوسف الهادی؛ ترجمه: سلمان ساکت ۱۱۴-۱۲۳
ملاحظات در متن تصحیح‌شده عجایب الدنیا / سید رضا موسوی هفتاثر؛ رادمان رسولی مهربانی ۱۲۴-۱۴۵

پژوهش‌های دبایستی

- ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۲) (یک لقب و منصب پارسی در اسناد آرامی باستان) / والتر برونو هنینگ؛ ترجمه: سید احمد رضا
قائم‌مقامی ۱۴۶-۱۵۱

ایران «موتون و منابع عثمانی» (۳۳)

- آثار احمد جودت‌پاشا / نصر الله صالحی ۱۵۲-۱۵۴

دبایه‌نویسی و پیشین

- توضیحی درباره «سین زایی» و «شین زایی» / علی‌اشرف صادقی ۱۵۵-۱۵۶
چند - چند / مسعود راستی‌پور ۱۵۷-۱۵۹

نسخه جدید به دست می‌دهیم تا ثابت شود که پیش از تصرفات ادعاشده نیز این منظومه با نام عطار دست به دست می‌شده‌است. سپس شواهد درون‌متنی را مجدداً ارزیابی می‌کنیم تا نشان دهیم که در واقع خسرونامه از جهت ترتیب آثار نیز می‌تواند به‌طور قابل قبولی در میان آثار عطار بگنجد. پس از آن، استدلال‌های مربوط به سبک‌شناسی و تاریخ تصوف را که به رد انتساب کتاب به عطار می‌انجامند نقد می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این داستان عاشقانه به آن اندازه که اغلب تصور می‌شود از مسیر آثار مسلم عطار منحرف نشده‌است. در انتها نیز نتیجه می‌گیریم که داده‌های موجود را با پذیرش انتساب این اثر به عطار راحت‌تر می‌توان توضیح داد تا با این فرض که بعدها در این اثر تصرفاتی صورت گرفته‌است.

تعداد بسیار اندکی از شاعران به اندازه فریدالدین عطار (د. ۶۱۸ق/ ۱۲۲۱م) تأثیرگذار بوده‌اند. سراینده منطق الطیر و چندین اثر مهم دیگر، چه از نگاه کسانی که در روند تکامل شعر صوفیانه فارسی نقش داشته‌اند و چه از نگاه بیرونی، در سیر تکاملی شعر صوفیانه چهره‌ای حائز اهمیت است.^۱ همان‌گونه که درباره بسیاری از دیگر شاعران کلاسیک ایران نیز صادق است، با فراگیر شدن آوازه عطار، رواج آثار جعلی به نامش آغاز شد. با این حال، تعداد انتساب‌های جعلی به عطار حیرت‌آور است. در قرن یازدهم ق/ هفدهم م گفته می‌شد که او ۱۱۴ اثر پدید آورده‌است، یعنی به تعداد سوره‌های قرآن.^۲ با توجه به تقدس این عدد نمی‌توان آن را

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی، مقدمه منطق الطیر، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۷): ۳۸-۵۰.

Julian BALDICK, "Persian Sūfi Poetry up to the Fifteenth Century", in: *History of Persian Literature: From the Beginning of the Islamic Period to the Present Day*, ed. George MORRISON (Leiden: Brill, 1981); Seyyed Hossein NASR, "Some Observations on the Place of 'Attār within the Sufi Tradition", in: *Colloquio italo-iraniano sul poeta mistico Fariduddin 'Attār* (Roma, 24-25 Marzo 1977) (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1978): 12-13; Husayn ILAHI-GOMSHEI, "Of Scent and Sweetness: 'Attār's Legacy in Rūmī, Shabistārī, and Hāfiz", in: *'Attār and the Persian Sufi Tradition: The Art of Spiritual Flight*, Leonard LEWISOHN and Christopher SHACKLE (London: I.B. Tauris and Institute of Ismaili Studies, 2006).

۲. نورالله شوشتری، مجالس المومنین (تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۵): ۹۹.

یک داستان عاشقانه دور از انتظار: ارزیابی مجدد انتساب خسرونامه

آستین اوملی*

ترجمه: شکوفه میبدی
sh.maybodi@gmail.com

چکیده

در این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازیم که خسرونامه، داستان عاشقانه پارسی-یونانی^[۱] منتسب به عطار، را در اصل چه کسی سروده‌است. چهل سال پیش، شفیعی کدکنی استدالات پیچیده‌ای در مخالفت با انتساب آن به عطار طرح کرد. او مدعی شد که این انتساب در نتیجه تصرفاتی است که بعدها صورت گرفته و استدالات خود را بر شواهد تاریخی درون‌متنی، نشانه‌های سبک‌شناختی و تاریخ تصوفی، و پشتوانه نسخه‌ای بنا نهاد.^[۲] در این مقاله، به‌صورتی نظام‌مند به ارزیابی این استدالات می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که این استدالات، خلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، چندان متقاعدکننده نمی‌نماید. در ابتدا، شواهدی از یک

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

O'MALLEY, Austin (2019). "An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the *Khosrow-nāma*". *Al-'Uṣūr al-Wuṣṭā* 27: pp. 201-232.

[1]. Perso-Hellenic.

[۲]. شفیعی کدکنی در مقدمه مختارنامه، دلایل رد انتساب خسرونامه به عطار را به دو دسته «دلایل داخلی» و «دلایل خارجی» تقسیم کرده و ذیل «دلایل داخلی» مواردی با عناوین «تناقض‌ها»، «سبک‌شناسی»، «از لحاظ تاریخ تصوف»، و ذیل «دلایل خارجی» مواردی با عناوین «نسخه‌شناسی» و «قراین دیگر» را آورده‌است.

عدد دقیق آثار منتسب به عطار دانست، لیکن گواهی است بر این که آثار مفروض او تا چه اندازه زیاد تصوّر می شده است. بنا بر گفته علی میرانصاری، مؤلف کتابشناسی آثار عطار، دست کم ۵۹ عنوان اثر مستقل، که بسیاری از آنها تا به امروز بر جای مانده اند، زمانی به عطار منسوب بوده اند.^۳ برخی از این منظومه ها را شاعرانی سروده بودند که عطار نام داشتند و ناگزیر اشعارشان در مجموعه آثار شاعر سلفشان، که شهرتی بیش از آنان داشت، وارد می شد.^۴ اما دیگر منظومه ها عامدانه به او منتسب می شدند. برای نمونه، لسان الغیب و مظهر العجایب را در قرن نهم/ پانزدهم، شاعری شیعه مذهب به نام عطار تونی سروده بود که تعمداً خود را فریدالدین عطار، شاعر منطق الطیر، فرامی نمود.^۵

در قرن بیستم، همراه با پیشرفت تصحیح انتقادی متن، محققانی چون قزوینی، شیرانی، نفیسی و ریتز به صورتی نظام مند از تعداد افزوده های جعلی به آثار عطار کاستند.^۶ از میان پژوهش های آنان، اجماع نظری استوار و محققانه پدید آمد: گفته می شد که عطار پدیدآورنده چهار مثنوی عرفانی - اخلاقی (الهی نامه، منطق الطیر، اسرارنامه و مصیبت نامه)، دیوان، مجموعه رباعیات (مختارنامه)، و تذکرة الاولیا (به نثر) است. همچنین، این محققان انتساب یک مثنوی عاشقانه به نام خسرونامه به عطار را موثق دانستند. برخلاف

مثنوی های عرفانی - اخلاقی عطار، که شامل حکایات کوتاه و نصایح و موعظه بود، خسرونامه داستان دلدادگی دو شاهزاده را بازگو می کرد که در حالی که برای وصال می کوشیدند، به طرز غم انگیزی از یکدیگر جدا می شوند. این داستان یادآور رمان های یونانی و داستان های عاشقانه پارسی - یونانی ای مانند ورقه و گلشاه و ویس و رامین است. این اثر آشکارا خارج از مجموعه آثار عطار قرار می گیرد؛ با این حال، از آن جا که عطار نام خسرونامه را در فهرست آثارش آورده است، و از آن جا که پدیدآورنده خسرونامه نیز خود را عطار و پدیدآورنده منطق الطیر می داند، محققان مذکور این منظومه را از آثار اصیل عطار دانستند.

با وجود این، در سال ۱۹۷۹، شفیعی کدکنی استدلالی پیچیده و فاضلانه پیش نهاد که در آن ادعا شده بود انتساب خسرونامه به عطار مردود است و این که پدیدآورنده در مقدمه آن خود را عطار خوانده، در واقع کار جاعلی است در قرن نهم ق/ پانزدهم م.^۷ اکنون این استدلال تأثیرگذار تقریباً در همه جای جهان پذیرفته شده است و تقریباً تمام آثار مهم در باب عطار را که از آن زمان به بعد منتشر شده اند، تحت تأثیر قرار داده است. لئونارد لويسون و کریستوفر شکل، [ویراستاران کتاب عطار و سنت صوفیانه فارسی: هنر پرواز روحانی]، در مقدمه کتاب خود پیرامون عطار استدلال شفیعی کدکنی در رد انتساب خسرونامه به این شاعر را قطعی انگاشتند.^۸ در چاپ ها و کتاب های تحقیقی مرجع جدیدتر، از جمله ویراست سوم دایرة المعارف اسلام، نیز همان یافته ها و نتایج شفیعی کدکنی تکرار شد.^۹ اخیراً دو تک نگاری درباره عطار منتشر شده است، یکی به قلم نوید کرمانی و دیگری به قلم کلودیا یعقوبی؛ اولی با ارجاع

۳. علی میرانصاری، کتابشناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴): ۷-۱۶.

۴. محمد قزوینی، مقدمه تذکرة الاولیا، تصحیح رینولد نیکلسون (لندن: لوزاک، ۱۹۰۵): ۱/ ۱۴؛

Hellmut RITTER, "Philologika X: Farīdaddīn 'Attār", *Der Islam* 25 (1939): 157.

۵. عبدالقادر سرفراز، فهرست توصیفی نسخ خطی عربی، فارسی، و اردو در کتابخانه دانشگاه بمبئی (بمبئی، دانشگاه بمبئی، ۱۹۳۵): ۶۰-۶۵؛ سعید نفیسی، جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری (تهران: اقبال، ۱۳۲۰): ۱۴۷-۱۵۴؛

Hellmut RITTER, "Philologika XIV: Farīdaddīn 'Attār", *Oriens* 11, no. 1/2 (1958): 3-4.

۶. قزوینی، مقدمه تذکرة الاولیا: ۱/ ۱۴؛ سرفراز، فهرست توصیفی: ۶۰-۶۵؛ نفیسی، جستجو: ۷۰-۷۳، ۱۴۵-۱۶۷؛

Hellmut RITTER, "'Attār", in: *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., ed. P. BEARMAN et al. (Leiden: Brill Online), posted 2021, https://doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0074; RITTER, "Philologika X": 156-160; RITTER, "Philologika XIV": 1-8.

۷. محمدرضا شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۹): ۳۳-۵۹.

8. Leonard LEWISOHN and Christopher SHACKLE, editors' introduction to LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, xviii. See also Hermann LANDOLT, "'Attār, Sufism, and Ismailism", in: LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, 3.

۹. محمد استعلامی، مقدمه تذکرة الاولیا (تهران: زوار، ۱۳۸۳): بیست و پنج؛ میرانصاری، کتابشناسی: ۷۵، ۲۳۲؛

Omid SAFI, "'Attār, Farīd al-Dīn", in: *Encyclopaedia of Islam*, 3rd ed., ed. Kate FLEET et al. (Leiden: Brill Online), posted 2016, https://doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_23976.

از دشواری‌های تحقیق دربارهٔ عطار یکی کمبود اطلاعات پیرامون زندگی اوست، حال چه این اطلاعات در آثار خود او عرضه شده باشد چه در منابع خارجی. خسرونامه هم ندرتاً اطلاعاتی در این زمینه دارد، با این حال اطلاعات مهمی پیرامون زندگی عطار به دست می‌دهد که در دیگر آثار عطار وجود ندارد؛ از جمله گزارشی از مرگ مادرش و اطلاعاتی دربارهٔ ترتیب تاریخی مجموعهٔ آثارش. در این منظومه مخصوصاً مدح پیر طریقت رسمی عطار، ابن‌الریب، جالب توجه است، که اتفاق نظر جمعی فعلی را که به موجب آن، عطار «بیش از آن‌که خود مظهر تصوّف و یک صوفی فعال باشد، یک ناظر همدل بوده است»^{۱۲}، به چالش می‌کشد. در این مقاله، با افزایش احتمال موثق بودن انتساب خسرونامه به عطار، تلاش شده است محققان ترغیب شوند تا نگاهی تازه به چنین موضوعاتی بیفکنند که سال‌هاست به‌طور جدّی مورد بازبینی و تجدید نظر قرار نگرفته‌اند.

صحت انتساب خسرونامه به عطار نشان می‌دهد که او -نسبت به آن‌چه غالباً انگاشته می‌شود- خود را در معرض طیف گسترده‌تری از الگوهای شاعری قرار داده و این نکته در دریافتی که از تاریخ ادبی داریم تأثیری مهم‌تر از نکاتی که تا به این جا گفته شد دارد. در پژوهش‌های معاصر، غالباً عطار نمایندهٔ یکی از مراحل اوج شعر عرفانی فارسی، در میان شعر سنایی و مولوی، انگار می‌شود. این قرائت غایت‌شناسانه، به‌ویژه در نقدهای ادبی خود شفیعی کدکنی رایج است.^{۱۳} با این حال، نحوهٔ سرایش خسرونامه به‌گونه‌ای است که این تصوّر را مغشوش می‌کند و حکایت از این دارد که کار عطار نه تنها در برابر سنایی، که در برابر تمام سرایندگان داستان‌های عاشقانه مانند گرگانی، عیوقی و نظامی نیز قرار می‌گیرد. در واقع، اگر خسرونامه واقعاً از آن عطار باشد، پس عطار هم پنج مثنوی سروده است، و چه‌بسا اولین تقلید از خمسة نظامی از آن او باشد.^{۱۴} به‌زحمت می‌توان از بررسی‌ای سراغ گرفت که پیرامون

به شفیعی کدکنی، خسرونامه را از بررسی کنار نهاده است و دیگری هیچ اشاره‌ای به خسرونامه نکرده است.^{۱۵} تا جایی که به پژوهش‌های این حوزه مربوط می‌شود، پروندهٔ خسرونامه برای همه بسته شده است: این اثر متعلق به عطار نیست و در نتیجه به‌درستی از حوزه مطالعات مربوط به عطار محو شده است.

گرچه غالباً به استدلال شفیعی کدکنی به‌عنوان یک حقیقت مسلّم ارجاع داده می‌شود، تا کنون این استدلال به‌صورت نظام‌مند مورد ارزیابی قرار نگرفته است.^{۱۶} در مقاله حاضر، من تحلیل شفیعی کدکنی را به‌مثابه مسئله در نظر گرفته‌ام و سناریوی موجه‌تری را پیشنهاد می‌کنم که براساس آن خسرونامه در حقیقت از آثار مسلّم عطار است. گرچه در ذکاوت شفیعی کدکنی شکی نیست، کلیت استدلال او از مجموع بخش‌های آن کمتر متقاعدکننده است: به نظر می‌رسد او با این فرض شروع کرده باشد که خسرونامه جعلی است، و سپس به عقب بازگشته تا مشخص سازد که چگونه چنین چیزی رخ داده است. همان‌گونه که خواهیم دید، نتیجه‌گیری‌های شفیعی کدکنی با شواهدی که در حوزه سبک، تاریخ تصوّف، پشتوانه نسخه‌ای و شواهد درون‌متنی ناظر بر ترتیب تاریخی آثار عطار، که خود به دست داده است، توجیه نمی‌شود. در نتیجه، بسیار ساده‌تر خواهد بود که خسرونامه را در شمار آثار اصیل عطار بپذیریم تا این‌که تصوّر کنیم فرایند پیچیده‌ای برای جعل انتساب این منظومه به عطار اتفاق افتاده است.

اگر بپذیریم که این داستان عاشقانه از آثار اصیل عطار است، لازم است که در باب بیش‌تر تحقیقات پیرامون زندگی عطار و جایگاه او در تاریخ ادبی تجدید نظر شود.

10. Navid KERMANI, *The Terror of God: Attar, Job and the Metaphysical Revolt*, trans. Wieland Hoban (Cambridge: Polity Press, 2011): 30; Claudia YAGHOUBI, *Subjectivity in 'Attār, Persian Sufism, and European Mysticism* (West Lafayette, IN: Purdue University Press, 2017).

۱۱. عبدالحسین زرّین‌کوب در این‌که خسرونامه جعلی است با شفیعی کدکنی موافق است، اما از برخی از استدلال‌های شفیعی کدکنی به‌طور پراکنده انتقاد کرده است؛ نک. صدای بال سیمغ (تهران: سخن، ۱۳۸۶): ۶۹؛ حکایت همچنان باقی (تهران: سخن، ۱۳۷۶): ۱۷۰-۱۸۸. قس. پاسخ شفیعی کدکنی در زبور پارسی: نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار (تهران: آگاه، ۱۳۷۸): ۸۴-۹۰.

12. KERMANI, *Terror of God*: 26.

۱۳. شفیعی کدکنی، مقدمهٔ منطق الطیر: ۳۸؛ شفیعی کدکنی، زبور: ۱۹-۲۰.
۱۴. مثنوی‌های عطار در وزن‌های هزج و رمل سروده شده‌اند، بنابراین، خمسة او، برخلاف تقلیدهای رسمی‌تر بعدی، در وزن خمسة نظامی سروده نشده است.

پیوندهای بینامتنی محتمل میان عطار و نظامی شکل گرفته‌باشد و امیدوارم این مقاله فضا را برای تحلیل‌هایی با دامنه گسترده‌تر درباره الگوهای ادبی عطار و ارتباط عطار با سنت منظومه‌سرایی عاشقانه فراهم سازد.^{۱۵} در نهایت، صحت انتساب خسرونامه به عطار مفاهیم تقلیل‌دهنده‌ای نظیر «شعر عارفانه» و «شاعران عارف» را دچار مشکل می‌کند؛ مفاهیمی که بر پایه آن‌ها دسته‌بندی‌هایی شکل گرفته‌است که بر مباحث مربوط به عطار سایه افکنده و احتمالاً، در وهله نخست، محرک حذف خسرونامه از مجموعه آثار این شاعر نیز همین بوده‌است.

قدری هم داستان عاشقانه

داستان عاشقانه مورد بحث معمولاً با نام خسرونامه شناخته می‌شود، اما عناوین گل و خسرو، گل و هرمز، هرمز و گلرخ - که اسامی عاشق و معشوق اصلی داستان است - نیز بدان داده شده‌است. گل همان گلرخ است و هرمز نامی است که از سوی پدر و مادری که خسرو را به فرزندی گرفتند بدو داده‌شد.^{۱۶} گرچه نام هرمز در تحقیقات جدید به ضم ه و م خوانده می‌شود، بارها با واژه‌هایی مانند هرگز و عاجز قافیه شده‌است، یعنی این کلمه باید به کسر میم خوانده‌شود.^{۱۷} شفیعی کدکنی بعدها بیان داشت که باید این نام را به کسر ه و م تلفظ کرد و میان آن و نام یونانی هرمس ارتباط برقرار کرد. این خوانش می‌بایست با ریشه‌های یونانی ژانر داستان عاشقانه، مانند جغرافیای داستان - که بین قسطنطنیه و خوزستان در گردش است -، نیز هماهنگ باشد.^{۱۸} (با این حال باید توجه داشت که نام هرمس

۱۵. برات زنجانی، «حکیم نظامی گنجوی و شیخ فریدالدین عطار»، آینده، دوره ۲، ۹ ش (اردیبهشت ۱۳۶۲): ۱۰۶-۱۱۴.

۱۶. دادن عناوینی از این دست، یعنی اسم عاشق و اسم معشوق، در ژانر داستان‌های عاشقانه معمول بوده‌است. نک.

Cameron CROSS, "The Poetics of Romantic Love in Vis & Rāmin" (PhD diss., University of Chicago, 2015): 104.

۱۷. فریدالدین عطار (منسوب)، خسرونامه، تصحیح احمد سهیلی خوانساری (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹): ابیات ۱۰۵۷ و ۱۳۱۷. تمام ارجاعات به نسخه چاپی خسرونامه مطابق این چاپ است.

۱۸. شفیعی کدکنی، زبور: ۱۰۱. در واقع و عذرا نیز اسامی یونانی وجود دارد که به خط فارسی-عربی آوانگاری شده‌است. نک.

Bo UTAS, "Did 'Adhrā Remain a Virgin?", *Orientalia Suecana* 3335 (1984-86): 429-41.

در قرون وسطی، چه در زبان فارسی و چه در زبان عربی، غالباً با س آوانگاری می‌شده‌است نه با ز).

خسرونامه با ساختارهای روایی و بن‌مایه‌هایی مرتبط است که شاخصه گروهی از منظومه‌های عاشقانه فارسی قرن پنجم/ یازدهم نظیر ورقه و گلشاه، ویس و رامین، و وامق و عذرا هستند و شباهت چشم‌گیری با رمان‌های یونانی نخستین سال‌های میلادی دارند. رد هر دوی این سنت‌ها را می‌توان تا هزاره ادبی تلفیقی در مدیترانه شرقی دوران هخامنشیان و یونانیان باستان پی گرفت، که مشخصه‌شان پیوند و آمیزش متقابل داستان‌ها، روایت‌های پایه^[۳]، و مضامین تکرارشونده میان فرهنگ‌های ادبی یونانی و فارسی است. به‌طور کلی، قهرمانان زن و مرد این داستان‌های عاشقانه (چه یونانی و چه فارسی) جوان و نجیب‌زاده‌اند و به‌شدت عاشق. آنان به‌اجبار یا اتفاقاً از یکدیگر جدا می‌شوند و بخش عمده داستان به تقلای آنان برای پیوند دوباره و حفظ پاکدامنی (به‌ویژه در مورد زنان) اختصاص می‌یابد. به‌محض وصال، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و باقی عمر را در شادکامی می‌گذرانند. در اثنای این پیرنگ ابتدایی، ساختارهای روایی و بن‌مایه‌های متعددی پدیدار می‌شود. داستان با بسته شدن نطفه قهرمانان آغاز می‌شود؛ آنان در جوانی با اولین نگاه عاشق می‌شوند؛ کشتی‌شان غرق می‌شود؛ گرفتار زندان و راهزنان می‌شوند؛ به قهرمان زن - و گاهی هم قهرمان مرد - پیوسته پیشنهاد ازدواج می‌شود یا در معرض تهدید خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند، اما بی‌آن‌که به پاکدامنی‌شان خللی وارد شود فرار می‌کنند؛ برای گریز از خطر، غالباً تغییر چهره می‌دهند، و خوانندگان را با صحنه‌های متعددی روبرو می‌سازند که در آن‌ها قهرمانان شناسایی نمی‌شوند یا اشتباهی به‌جای کس دیگری گرفته می‌شوند و هویت آنان بعداً افشا می‌گردد. سفرهای دور و دراز قهرمانان داستان آنان را به سرتاسر مدیترانه شرقی می‌برد، که خود منعکس‌کننده ناهمگنی فرهنگی و آمیختگی ادبی خاستگاه‌های این نوع ادبی است.^{۱۹}

[3]. Narremes.

19. Dick DAVIS, *Panthea's Children: Hellenistic Novels and Medieval Persian Romances* (New York: Bibliotheca Persica, 2002); CROSS, "Poetics of Romantic Love": 94-135; Tomas HAGG, "The Oriental Reception of Greek Novels: A Survey with Some Preliminary Considerations", *Symbolae Osloenses* 61, no. 1 (1986): 99-131.

زوج‌های دیگری مراسم ازدواجشان را برگزار می‌کنند. زوج‌های دیگر شخصیت‌های مکمل روایتند و در طول گرفتاری‌های آنان به طرق مختلف یاری‌شان کرده‌اند (و گاهی نیز در جبهه مخالف آنان قرار گرفته‌اند). پس از آن، گل و هرمز، سی سال به خوبی و خوشی تا هنگام مرگ با یکدیگر زندگی می‌کنند.^{۲۱}

عطار در مقدمه مختارنامه، اثری به نام خسرونامه را در فهرست آثار خود می‌آورد و پدیدآورنده خسرونامه نیز در مقدمه این منظومه عاشقانه خود را عطار نامیده است. لیکن شفیع کدکنی مدعی است که مقدمه این منظومه در قرن نهم/پانزدهم جعل و به این منظومه اضافه شده است. او خاطرنشان می‌سازد که همان‌گونه که در مقدمه مختارنامه از خسرونامه به عنوان یک اثر تکمیل شده یاد شده، در مقدمه خسرونامه نیز، از مختارنامه به عنوان یک اثر تکمیل شده سخن به میان آمده است. این دو اشاره به یک مسئله «اول مرغ بود یا تخم مرغ؟» منجر می‌شود، که طبق گفته شفیع کدکنی نمی‌توان آن را با هیچ ترتیب زمانی قابل قبولی توضیح داد. او سپس براساس شواهد مربوط به حوزه‌های سبک‌شناسی، تاریخ تصوف و نسخه‌شناسی نیز چنین استدلال می‌کند که خاستگاه این منظومه و مقدمه به ادعای او ساختگی‌اش، در قرن نهم/پانزدهم است. و اما در باب این‌که عطار خسرونامه را در فهرست آثار پیشین خود آورده است، شفیع کدکنی می‌گوید که اشاره عطار نه به منظومه عاشقانه مورد بحث، که به الهی‌نامه است، که در انتساب آن به عطار هیچ تردیدی نداریم. او بر آن است که این مثنوی عرفانی-اخلاقی در اصل با عنوان خسرونامه شناخته می‌شده و بعدها عنوان فعلی (الهی‌نامه) بدان اطلاق شده است.

شفیع کدکنی، اول بار، استدلال خود را در سال ۱۳۵۸، در مقدمه تصحیحش از مختارنامه اقامه کرد. از آن پس، او استدلال‌های دیگری به دست داد که موجب پیچیدگی موضوع شدند؛ ابتدا در سال ۱۳۷۸ در زبور

۲۱. برای مطالعه خلاصه تفصیلی کل داستان، نک مقدمه سهیلی خوانساری بر خسرونامه، پنج تا بیست و پنج؛ و

RITTER, "Philologica X": 161-71.

خسرونامه به راحتی در الگوی این نوع ادبی می‌گنجد. داستان با قیصر روم آغاز می‌شود، که با وجود ثروت و قدرت بسیار پسری ندارد. کنیزکی زیبارو دارد که پس از رابطه عاشقانه مخفیانه، باردار می‌شود. اما قیصر باید برود و به محض رویارویی با مهاجمان به جنگ در برابر آنان پردازد و از بارداری کنیزک خبردار نمی‌شود. کودک، که پدرش در هنگام تولد او همچنان در دوردست‌ها به سر می‌برد، خسرو نام می‌گیرد:

به رومی کرد نام آن دلستان را

که باشد پارسی خسرو زبان را^{۲۲}

خدمتکاری وفادار کودک را، به قصد محافظت در برابر توطئه و دسیسه، مخفیانه به خوزستان می‌برد. باغبان پادشاه خوزستان کودک را بزرگ می‌کند و نام او را هرمز می‌نهد. او قد می‌کشد و به مردی جوان و تنومند تبدیل می‌شود که در تمامی علوم و تمامی فنون جنگ ماهر و متخصص است. روزی گل، شاهدخت خوزستان، آن‌گاه که بر بام قصر قدم می‌زند، هرمز را خفته در باغ می‌بیند و در لحظه عاشقش می‌شود. اما پیش از آن، قول ازدواج او را با پادشاه سپاهان داده بودند و هنگامی که او پدرش را وادار می‌سازد تا این ازدواج را فسخ کند، حاکم سپاهان به خوزستان لشکر می‌کشد تا دختر را به عنف ببرد.^[۴] در نتیجه مجموعه‌ای از ماجراها آغاز می‌شود که در آن‌ها آدم‌خواران، راهزنان، تغییر چهره دادن‌ها و لباس مبدل پوشیدن‌ها، مثلث‌های عشقی، خیانت، غرق شدن و شکستن کشتی، و گریزهای بی‌باکانه به تصویر کشیده شده‌اند. گرچه گل و خسرو در چند جای داستان به وصال می‌رسند، حوادث دست به دست یکدیگر می‌دهند تا به سرعت آن دو را از یکدیگر جدا سازند. در انتهای داستان، هنگامی که خسرو موفق می‌شود حاکم سپاهان را شکست دهد، این زوج در قسطنطنیه همراه با

۲۰. عطار (منسوب)، خسرونامه، کتابخانه ملی فرانسه، Supplement Persan

1434: گ-۲۸ پ؛ قس. تصحیح سهیلی خوانساری: بیت ۸۸۲.

[۴]. بر اساس متن منظومه، از قبل قول و قراری برای ازدواج گل و شاه سپاهان در کار نبوده است. شاه سپاهان قاصدش را جهت خواستگاری به دربار شاه خوزان می‌فرستد و چون پاسخ منفی دریافت می‌کند به خوزستان لشکر می‌کشد. به نظر می‌رسد نویسنده مقاله با خواندن بیت ۲۷۲۴ منظومه، «ترا این عقد در عقبیست رانده/ تو چون عقد گهر در عقد مانده»، دچار سوءبرداشت شده است.

پارسی و این اواخر در سال ۱۳۸۸ در مقدمه‌ای که بر تصحیحش از الهی‌نامه نوشته‌است.^{۲۲} به هر روی این اضافات و بازنگری‌های پسین نسبت به استدلال اولیه نظام‌مندی کمتری دارند و گاهی مشخص نیست که چگونه قرار است ادعاهای پیشین او را تکمیل کنند. استدلال‌های سال ۱۳۵۸ او همچنان جامع‌ترین استدلال‌هاست و بیش از بقیه به آن ارجاع داده می‌شود؛ در نتیجه، باید مستقیماً به آن ادعاها پردازیم. در اثناى بحثی که در ادامه خواهد آمد - هر کجا که مرتبط باشد - به صورت‌های بعدی استدلال‌های شفيعی کدکنى و نتایج او اشاره خواهم کرد.

شواهد نسخه‌ای

بسیاری از آثار مسلم عطار نسخه‌هایی دارند که قدمتشان به اواخر قرن هفتم/ سیزدهم می‌رسد. با این حال، براساس گفته شفيعی کدکنى، این که قدیم‌ترین نسخه‌های خسرونامه تا اواخر قرن نهم/ پانزدهم پدید نیامده‌اند، حاکی از آن است که این منظومه بسیار دیرتر از دیگر آثار عطار سروده شده‌است. او سپس استدلال می‌کند که سخنش با محتوای این منظومه عاشقانه، چه از نظر سبک‌شناسی و چه از نظر تاریخ تصوف، نیز سازگار و موافق است و آن قراین نیز بر خاستگاه قرن نهمی/ پانزدهمی دلالت می‌کنند.^{۲۳} تأخر نسخه‌های خسرونامه نسبت به دیگر آثار عطار البته دلیل محکمی برای تردید در انتساب این اثر به عطار به نظر می‌رسد، اما قرائت شفيعی کدکنى از شواهد نسخه‌ای ناقص است. به‌ویژه او یک نسخه قدیمی خسرونامه را از قلم انداخته‌است، که در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود و در ترقیمه آن تاریخ پایان کتابت ۲۹ شوال ۶۵۶/ ۲۷ آگوست ۱۲۹۷ درج شده، که با قدیم‌ترین نسخه‌های آثار قطعی عطار نیز می‌خواند.^{۲۴} شفيعی کدکنى در باب اطلاعاتش پیرامون

نسخه‌های خسرونامه، تنها به فهرست احمد منزوی ارجاع می‌دهد و فهرست منزوی این نسخه قدیمی را ندارد.^{۲۵} با وجود این، چندان محتمل نیست که شفيعی کدکنى از وجود آن نسخه آگاه نبوده‌باشد، چرا که نسخه مذکور، به‌همراه چاپ سنگی لکهنو، اساس کار ریتز درباره این منظومه، در مقاله دوران‌ساز وی در باب عطار (سال ۱۹۳۹)، بوده‌است.^{۲۶}

این نسخه متوسط که به خط نسخی ناپخته اما قابل خواندن نگاشته شده، ظاهراً برای فروش یا برای یک مجموعه‌دار نه‌چندان مهم فراهم آمده بوده‌است، نه برای یک حامی سلطنتی. نسخه رسم‌الخطی کهن دارد که از نسخه‌های آن روزگار انتظار می‌رود، مانند کی به‌جای که و در آن میان حروف ب و پ و ک و گ تمایزی نیست. یاء پایانی با دو نقطه بر بالای حرف نوشته شده. ذال پس از حروف صدادار، که در طول قرن هفتم/ سیزدهم در حال ناپدید شدن بود، در نسخه حفظ نشده‌است.^{۲۷} متن داخل جدولی آمده که از دو خط قرمز رنگ تشکیل شده‌است. طبق فهرست بلوشه، چندین برگ از آن در قرن نوزدهم از نو نوشته شده و چندین برگ دیگر هم با دستخطی متفاوت، و احتمالاً خیلی بعدتر از تاریخ کتابت اصلی، نوشته شده‌است؛ این برگ‌ها کاملاً نقطه‌گذاری شده‌اند و جدول ندارند.^{۲۸} سه برگ اول نیز به نظر می‌رسد که نونویس باشد. گرچه سبک این برگ‌ها به سبک برگ‌های اصلی بیش‌تر می‌ماند، اما شلخته‌ترند و به نظر می‌رسد که جداول آن‌ها آزادانه و بدون کمک مسطره کشیده شده‌باشد.^{۲۹} در آخر

۲۵. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های فارسی خطی (تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸-۱۳۵۱): ۴/ ۳۰۸۴-۳۰۸۵.

26. RITTER, "Philologika X": 144-46.

ریتز این نسخه را به‌مثابه یک نسخه کهن معتبر بررسی می‌کند، گرچه در همان ابتدای معرفی نسخه، با گفتن «علی‌الظاهر (angeblich) در سال ۶۹۶ ق کتابت شده‌است» (۱۴۵) تاحدی [از بیان قاطعانه آن] تن زده‌است.

27. Ludwig PAUL, "Persian Language i. Early New Persian", in: *Encyclopaedia Iranica*, online ed., ed. Ehsan Yarshater, updated November 19, 2013, <http://www.iranicaonline.org/articles/persian-language-1-early-new-persian>.

28. E. BLOCHET, *Catalogue des manuscrits persans* (Paris: Réunion des bibliothèques nationales, 1905-34), 3:87-88;

نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه، گ ۸۰-ر ۹۱-پ.

۲۹. همان: گ ۱-ر ۳-پ.

۲۲. شفيعی کدکنى، زبور: ۹۶-۱۰۱؛ همو، مقدمه الهی‌نامه، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۸): ۴۸-۶۳.

۲۳. شفيعی کدکنى، مقدمه مختارنامه: ۵۵-۵۶.

۲۴. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه، گ ۲۳۳-ر. من این نسخه را به‌صورت دیجیتال بررسی کرده‌ام که به‌صورت آنالین در آدرس زیر در دسترس است:

<http://archivesetmanuscripts.bnf.fr/ark:/12148/cc1006349>.

سیزدهم دست به دست می شده است. برعکس، در سال ۱۳۷۸، شفیعی کدکنی این را محتمل دانست که این داستان عاشقانه در قرن هفتم/ سیزدهم نوشته شده باشد، اما همچنان اصرار داشت که مقدمه کتاب ساختگی است و بعدها در طول قرن هشتم/ چهاردهم یا نهم/ پانزدهم ضمیمه منظومه شده است.^{۳۳} با این حال، این ترتیب زمانی نیز توسط نسخه کتابخانه ملی فرانسه تکذیب می شود، چرا که نشان می دهد مقدمه کامل نیز در همان اواخر قرن هفتم/ سیزدهم در منظومه وجود داشته است. نسخه کتابخانه ملی فرانسه این امکان را که عطار سراینده اصلی این منظومه باشد به حیطة احتمالات بازمی گرداند، دست کم از دیدگاه تاریخی.^[۵]

گرچه می دانیم که این منظومه عاشقانه و مقدمه اش در اواخر قرن هفتم/ سیزدهم دست به دست می شده، باز هم ممکن است که انتساب آن به عطار ساختگی باشد. همچنین با وجود این که می دانیم شفیعی کدکنی در تعیین قرن نهم/ پانزدهم برای سروده شدن این منظومه و مقدمه آن، بر اساس شواهد سبک شناختی و تاریخ تصوّفی، اشتباه کرده، همچنان ممکن است دلایل خوبی وجود داشته باشد تا بر اساس آن ها انتساب این منظومه به عطار را رد کنیم. بنابراین، باید شواهد سبک شناختی و تاریخ تصوّفی، همچنین «تناقض» های ادعاشده در مقدمه خسرونامه را به دقت بررسی کنیم.

۳۳. شفیعی کدکنی، زبور: ۹۹-۱۰۰.

[۵]. به تازگی یادداشتی با عنوان «بحثی راجع به تاریخ جعل خسرونامه به نام عطار» نوشته علی کاملی در وبسایت پارسی شناسی منتشر شده است که بخشی از یافته های آن را می توان در ذیل شواهد نسخه شناسی ای بررسی کرد که ادعای شفیعی کدکنی در مورد جعلی بودن انتساب خسرونامه را نقض می کند. گرچه علی کاملی استدلال های شفیعی کدکنی را پذیرفته و فرض خود را بر جعلی بودن انتساب خسرونامه به عطار نهاده است، به این نکته ارزشمند اشاره کرده که در چاپ عکسی نسخه رسائل العشاق و وسائل المشتاق با تاریخ کتابت ۶۸۵ق (گ ۵۹پ) ابیاتی از خسرونامه به همراه ذکر شاعر آن، «ملک الحکما و الشعرا فریدالدین عطار»، آمده است. با توجه به این که تنها حدود نیم قرن میان تاریخ درگذشت عطار و کتابت این نسخه فاصله است، بعید می نماید که در این زمان اندک این جعل صورت گرفته باشد (از آقای مسعود راستی پور از بابت تذکر این نکته سپاسگزارم). برای مطالعه یادداشت علی کاملی، نک.

یادداشت: بحثی راجع به تاریخ_ <https://parsishenasi.ir/wiki/index.php/> جعل_خسرونامه_به_نام_عطار

این که دو برگ نزدیک به انتهای نسخه باز هم با یک خط دیگر نوشته شده اند، جدول ندارند و مصراع ها غالباً با سه نقطه قرمز از یکدیگر جدا شده اند.^{۳۰} به نظر می رسد ترقیمه عربی با همان دستخط برگ های اصلی نوشته شده باشد، با همان اتصالاتی متمایز میان یاء و نون و نقطه های مورّب، گرچه فشرده تر از متن فارسی دورش نوشته شده است. چه بسا کاتب سر قلم را پیش از نوشتن ترقیمه زده باشد، یا ممکن است او هنگامی که از فارسی به عربی یا از متن به حواشی منتقل می شده بر کارش تمرکز بیش تری کرده باشد. به هر روی، هیچ نشانه ای دال بر این وجود ندارد که ترقیمه تغییر یافته باشد و برگ های اصلی نسخه از جهت سبک شناسانه با این که خاستگاه قرن هفتمی/ سیزدهمی داشته باشند سازگارند (تصویر ۱).

علی میرانصاری که جعلی بودن خسرونامه را پذیرفته است، این نسخه را در بررسی اش پیرامون کتاب شناسی عطار آورده، اما نظر بلوشه را هم نقل کرده که برگ هایی از آن در قرن نوزدهم مجدداً نوشته شده اند. او بر این اساس ادعا می کند که تاریخ کتابتی که آمده قابل اعتماد نیست.^{۳۱} با این حال، این برگ ها که در اواخر نسخه آمده است به روشنی قابل شناسایی هستند و بخش عمده نسخه به نظر اصیل و بی تغییر مانده است، از جمله مقدمه (به استثنای صفحه عنوان و دو برگ اوّل) و صفحه آخر که ترقیمه دارد.

البته وجود این نسخه به تنهایی ثابت نمی کند که خسرونامه را عطار سروده است. همچنین، باید توجه داشته باشیم که از بیش تر آثار قطعی عطار، چندین نسخه خطی از قرون هفتم/ سیزدهم و هشتم/ چهاردهم وجود دارد، در حالی که تنها یک نسخه داریم که گواه وجود خسرونامه در آن زمان باشد.^{۳۲} با وجود این، نسخه کتابخانه ملی فرانسه نشان می دهد که بر خلاف آنچه شفیعی کدکنی در صورت اوّل استدلالش در سال ۱۳۵۸ بیان کرده، خسرونامه نمی تواند محصول قرن نهم/ پانزدهم باشد، چرا که این کتاب پیش از این زمان و در قرن هفتم/

۳۰. همان: گ ۱۸۶ر- ۱۸۷پ.

۳۱. میرانصاری، کتاب شناسی: ۲۳۴.

۳۲. شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۵۵.

خودارجاعی عطار در مجموعه آثارش

جالب است که یکی از اصلی‌ترین نکاتی که شفیعی کدکنی برای اثبات جعلی بودن خسرونامه بدان استناد می‌کند، همانی است که موجب شد ریتر آن را از آثار مسلم عطار بداند: در خسرونامه به آثار قطعی عطار اشاره شده و در آثار قطعی عطار نیز به خسرونامه اشاره شده است. به‌ویژه، عطار در مقدمهٔ منثور مجموعهٔ رباعیاتش، مختارنامه، آثارش را یک‌به‌یک برمی‌شمارد و در این فهرست نام خسرونامه را هم ذکر می‌کند. به همین صورت، سرایندهٔ خسرونامه نیز فهرست مشابهی را در مقدمهٔ منظومهٔ عاشقانه‌اش می‌آورد و مدّعی است که مختارنامه و دیگر آثار مسلم عطار از آن اوست. با این حال، چنان‌که شفیعی کدکنی خاطر نشان می‌سازد، پذیرش بی‌چون و چرای این گفته‌ها، منجر به مسئلهٔ «اول مرغ به وجود آمد یا تخم مرغ؟» می‌شود که راه را بر هر گونه تلاشی برای بازسازی ترتیب زمانی مجموعهٔ آثار عطار می‌بندد. اگر عطار خسرونامه را پیش از مختارنامه به پایان برده باشد، چگونه ممکن است که در آن به مختارنامه اشاره کند؟ و اگر خسرونامه را پس از مختارنامه به پایان برده باشد، چگونه امکان دارد که نام خسرونامه را در مختارنامه به‌عنوان یک اثر تکمیل‌شده و انتشاریافته بیاورد؟ شفیعی کدکنی نتیجه می‌گیرد که «تناقض دو مقدمه، خود دلیل این است که خسرونامه موجود... نمی‌تواند آن خسرونامهٔ مذکور در مقدمهٔ مختارنامه باشد»^{۳۴}. با این حال، این دُور را می‌توان با توجّه به این واقعیت توضیح داد که شاعران قرون وسطی، اغلب چندین نسخهٔ مختلف از اشعارشان منتشر می‌کردند و حتی بعد از اولین «انتشار» نیز آن‌ها را بازنگری و بازنویسی می‌کردند. این راه حل در سال ۱۹۳۹ به‌اختصار توسط ریتر پیشنهاد شد.^{۳۵} و چنان‌که در این‌جا استدلال خواهیم کرد، این توضیح وجه محتمل‌تری را برای این خودارجاعی ادبی به دست می‌دهد، تا این نظریه که بعدها کسی آن را جعل کرده باشد.

۳۴. شفیعی کدکنی، مقدمهٔ مختارنامه: ۳۹.

35. RITTER, "Philologika X": 155.

در مقدمهٔ خسرونامه، هنگام شرح به نظم کشیدن دومرحله‌ای کتاب، دو مرتبه نام مختارنامه آمده است. طبق یکی از بخش‌های آغازین مقدمه، «در سبب شرح دادن قصّه»، نویسنده در یکی از شب‌های بهاری^[۶] در حالی که با گروهی از دوستان نشسته بوده است، متقاعد می‌شود تا داستانی عاشقانه به نظم کشد.^{۳۶} آن‌گونه که شاعر می‌گوید، از جمع دوستان آن شبش یک نفر از علاقه‌مندان شعر او بوده؛ هر گاه بیتی از عطار به گوشش می‌رسیده همان‌طور که در معنی آن تأمل می‌کرده هوش از سرش می‌پریده یا از شگفتی سکرآوری به رقص در می‌آمده است.^{۳۷} دوست مذکور، بیش از صد قصیده از عطار را از بر داشته و همچنین قریب به هزار غزل و قطعه از همو، و پیوسته جواهرنامه و شرح القلب ورد زبانش بوده است،^[۷] و از همه مهم‌تر برای مقصود فعلی ما، این‌که او «همه مختارنامه از رباعی» را هم از بر داشته است.^{۳۸} البته ذکر عناوین آثار در این‌جا خود مؤید این نتیجه است که شاعری که دارد سخن می‌گوید همان فریدالدین عطار است، همچنان‌که او در مواضع مختلفی از منظومه خویشتن را آشکارا «عطار» می‌خواند.^{۳۹} در همان شب، چنان‌که آمده، همان دوست از عطار، که ظاهراً سه سالی می‌شده که لب از شعر گفتن فرو بسته بوده، استدعا می‌کند تا دوباره نظم‌سرایی را آغاز کند.^{۴۰} به‌طور مشخص، او توصیه می‌کند که عطار یک داستان عاشقانهٔ منثور از بدر اهوای

[۶]. در بیت ۵۹۲ منظومه «شبی خوشتر از نوروز بهاری» آمده، و لزوماً نمی‌توان گفت که «یک شب بهاری» بوده است؛ نک. خسرونامه: ۳۰.

۳۶. نسخهٔ شمارهٔ ۱۴۳۴ کتابخانهٔ ملی فرانسه، گ. ۲۰. در نسخهٔ چاپی آمده «سبب نظم کتاب»؛ عطار، خسرونامه: ۲۸.

۳۷. عطار، خسرونامه: ابیات ۶۰۱-۶۰۲.

[۷]. توضیحات نویسنده ناظر بر ابیات زیر است:

ز شعر من چو بیتی گوش کردی	ز مهرم خویش را بیهوش کردی
چو کردی بار دیگر آن تفکر	چو صوفی رقص کردی از تحیر
ز شعرم یاد داشت از طبع داعی	همه مختارنامه از رباعی
ز گفت من که طبع آب زر داشت	فزون از صد قصیده هم ز بر داشت
غزل قرب هزار و قطعه هم نیز	ز هر نوعی مفصل بیش و کم نیز
جواهرنامه من بر زبان داشت	ز شرح القلب من جان بر میان داشت

(خسرونامه: ۳۰)

۳۸. همان: بیت ۶۰۳.

۳۹. همان: ابیات ۲۲۶۱، ۵۳۴۹، ۶۰۶۹، ۸۲۶۰، ۸۲۶۷.

۴۰. همان: بیت ۶۱۴.

رفیقی داشتم کوحاصلی داشت
بجان در کار من بسته دلی داشت
مرا گفتا چو خسرونامه امروز
فروغی خسروی دارد دل افروز
اگرچه قصّهای بس دلنوازیست
چگویم؟ قصه کوتاه به، درازست
اگر موجز کنی این داستان را
نماند هیچ خار این بوستان را
دو بند راه قشر و مغز باشد
همه روغن گزینی نغز باشد
دگر توحید و نعت و پند و امثال
که خسرونامه را بود اوّل حال
چو در اسرارنامه گفته‌ای باز
دو موضع کرده‌ای یک چیز آغاز^{۴۵}

به عبارت دیگر، خسرونامه بسیار طولانی بود و بخشی از امثال و نعت و مطالب پندآموزی که داشت بعدها در اسرارنامه نیز مجدداً استفاده شده بودند. همچنین، حتی می‌توان گفت که این بخش حاکی از آن است که برخی از ابیات این منظومه عاشقانه، در مثنوی اخلاقی بعدی مویه‌مو تکرار شده است؛ شاید در بخش تحمیدیه آغازین آن که به شیوه سنتی مرسوم بوده محتوایی از این دست داشته باشد. از آن‌جا که وزن هر دو منظومه یکسان است، وارد کردن دوباره ابیاتی از منظومه قبلی در منظومه بعدی کار آسانی می‌توانست باشد.

سراینده خسرونامه توصیه بازنگری و اصلاح را جدی گرفت و این نقد بر او کارگر افتاد. از هر فصل بابی بیرون کشید و سپس از ابتدا، این «دُر[های] حکمت» را با تحمیدیه جدیدی به رشته کشید:

چو او این قصّه را الحق نکو گفت
چنان کردم همی القصّه کو گفت
برون کردم از اینجا انتخابی
برآوردم ز یک‌یک فصل بابی

۴۵. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه: گ ۲۲ پ؛ قس. عطار، خسرونامه: ابیات ۶۵۰-۶۵۶.

را به نظم کشد.^{۴۱} دهخدا حدس می‌زند که این شخص ممکن است همان اهوای نامی باشد که ناصر خسرو با دیدی منفی او را با خود مقایسه می‌کند و تلویحاً شعر اهوای را فاقد علم دین می‌داند.^{۴۲} عطار گزارش می‌کند که دوستش او را وادار ساخته تا همان داستان را به نظم بکشد و از این راه آن را نو سازد:

خوشی در سلک کش در سخن را
به معنی نوکن این جان کهن را^{۴۳}

عطار در لحظه درخواست دوستش را خردمندانه می‌یابد و به نظم کشیدن داستان را می‌آغازد.^[۸] اما این صرفاً مرحله اوّل به نظم آمدن این داستان بود. در بخش بعدی مقدمه، با عنوان «انتخاب کردن داستان»، به جزئیات اتفاقاتی پرداخته شده که در زمانی نامعین بعد از آن شب رخ داده است؛ زمانی که نسخه‌ای از خسرونامه دست به دست می‌گشته است.^{۴۴} طبق گفته سراینده، دوستش (مشخص نیست این شخص همان دوستی است که در بادی امر پیشنهاد به نظم کشیدن خسرونامه را داده یا نه) به نزد او می‌رود و از نسخه منتشرشده خسرونامه انتقاد می‌کند که «درازست» و بخشی از محتوای پندآمیز آن در اسرارنامه هم آمده است:

۴۱. همان: بیت ۶۱۷.

۴۲. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، زیرنظر محمد معین و جعفر شهیدی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳): ذیل «اهوای».

• [منظور نویسنده مقاله بیت «خزینہ علم فرقانست، اگر نه بر هوایی تو/ که بردت پس هوای جز هوا زی شعر اهوای» از ناصر خسروست که گرچه ذیل مدخل اهوای نیز آمده است، اما یادداشت دهخدا، که نویسنده به آن ارجاع داده، به همراه همین بیت ذیل مدخل «بدر اهوای» در لغت‌نامه آمده است. در هر حال، مهدی محقق در جلد دوم شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو (ج ۲، ص ۸۲) مراد از اهوای را در این بیت ابونواس حسن بن هانی اهوای، شاعر خمربات، دانسته است؛ و از آن‌جا که در خسرونامه هم به منظور بودن داستان بدر اهوای تصریح شده است، شاید لزومی نباشد که بدر اهوای را لزوماً شاعر بدانیم. همچنین، نک. شفیعی کدکنی، مقدمه الهی‌نامه: ۵۲ (پانویشت).

۴۳. عطار، خسرونامه: بیت ۶۲۶.

[۸]. سخن نویسنده ناظر بر ابیات زیر است:

چو من زان دوست پاسخ این شنیدم / شدم شوریده چون شیرین شنیدم
چو بر من الحق او حق داشت بسیار / پذیرفتم سخن زان مرد هوشیار

(خسرونامه: ۳۲)

۴۴. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه: گ ۲۲ ر. در نسخه چاپی، عنوان این بخش «در پرداختن این داستان» است؛ عطار، خسرونامه: ۳۲.

جدا نعتی و توحیدی بگفتم
ز سر در در حکمت نیز سقتم
و گر چیزی طرازش را زیان داشت
بگردانیدم از طرزی که آن داشت
سخن بعضی که چون زر نامور شد
در آتش بردمش تا آب زر شد^{۴۶}

گرچه تحقیقات متن شناختی جامع تری باید در این زمینه انجام گیرد، به نظر می‌رسد تمام نسخه‌های شناخته‌شده خسرونامه این بازنگری‌ها را منعکس می‌سازند. نسخه اولیه این منظومه ظاهراً به‌جا نمانده، یا دست‌کم هنوز شناسایی نشده است،^{۴۷} بنابراین، احتمالاً انتشار گسترده‌ای نداشته، گرچه شاعر نمی‌توانست چنین به‌کلی از پخش شدن آن جلوگیری کند. گرچه او ادعا می‌کند که برخی از ابیات از نسخه اولیه خسرونامه، پیش از آن‌که او قصد بازنگری منظومه را داشته‌باشد، رواج گسترده‌ای یافته بوده (سخن بعضی که چون زر نامور شد)، متن اصلی آن احتمالاً تنها در اجتماع کوچکی از آشنایان او انتشار یافته بوده است. نهایتاً، در انتهای همان بخش، شاعر مجدداً به دیگر آثار منظومش، از جمله مختارنامه، اشاره می‌کند. این‌گونه برشمردن آثار، با آگاه کردن خوانندگان از دیگر آثار شاعر و تشویق آن‌ها به این‌که آن‌ها را نیز بیابند [و بخوانند]، کارکرد مهمی داشت: چیزی مشابه «از همین نویسنده» که در پشت

۴۶. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه: گ ۲۲ پ؛ قس. عطار، خسرونامه: ابیات ۶۶۱-۶۶۵.

47. B. REINERT, "Atfār, Farīd-al-Dīn", in: *Encyclopaedia Iranica*, online ed., ed. Ehsan YARSHATER, updated August 17, 2011, <http://www.iranicaonline.org/articles/attar-farid-al-din-poet>; RITTER, "Philologica X": 144-46; François DE BLOIS and C.A. STOREY, *Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey* (London: Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1992-94), 5.2: 276.

تعدادی از فهرست‌نویسان نسخه‌های تلخیص‌شده‌ای از این داستان عاشقانه را شناسایی کرده‌اند، اما تمام آن‌ها متأخرند و از آن‌هایی که ریتز بررسی کرده، تمامشان همین داستان دوبخشی سرایش منظومه را دارند. بنابراین، او باور دارد که این تلخیص‌ها همگی از تصرفات بعدی است و نشان‌دهنده نسخه اصلی شاعر نیست. برای نمونه، نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه را با نسخه اصلاح‌شده (و کوتاه‌تر) منظومه که در Suplement Persan 811 (مورخ ۱۰۱۳ ق) نگهداری می‌شود مقایسه کنید. همچنین نک. نسخه‌های کتابخانه بودلیان، Elliott 204، و کتابخانه انجمن آسیایی بنگال که هم متن کامل خسرونامه را به‌صورتی که امروزه موجود است دارند و هم نسخه تلخیص‌شده را.

جلد بسیاری از کتاب‌های بازاری می‌توان یافت، مدل نسخه‌ای‌اش.

مصیبت‌نامه کاندوه جهان است
الهی‌نامه کاسرارش عیان است
به داروخانه کردم هر دو آغاز
چه گویم زود رستم زان و زین باز
به داروخانه پانصد شخص بودند
که در هر روز نبضم می‌نمودند
میان آن همه گفت و شنیدم
سخن را به ازین رویی ندیدم
اگر عیبی بود گر عیب‌پوشی
چو تحسین نکیم باری خموشی
مصیبت‌نامه را دژه روان است
الهی‌نامه گنج خسروان است
جهان معرفت اسرارنامه‌ست
بهشت اهل دل مختارنامه‌ست
مقامات طیور اما چنان است
که مرغ عشق را معراج جان است
چو خسرونامه را طرزی عجیب است
ز طرز او که و مه را نصیب است^{۴۸}

بنابراین، وضعیت به این شکل است که در خسرونامه، دو بار به نام مختارنامه به‌عنوان اثری تکمیل‌شده اشاره رفته است، درست همان‌گونه که در مختارنامه نیز به خسرونامه به‌عنوان اثری تکمیل‌شده اشاره شده است. این مسئله به یک «تناقض» ختم می‌شود که، طبق گفته شفیع کدکنی، حاکی از آن است که انتساب خسرونامه به عطار جعلی است. اما این ارجاعات دُورماند درون‌متنی لزوماً نشانه جعلی بودن خسرونامه نیست و می‌توان چگونگی آن را با اشاره به فرایند پیچیده و چندمرحله‌ای توضیح داد که طی آن، آثار عصر نسخ خطی بازنگری می‌شدند و صورت اصلاح‌شده جدید آن‌ها انتشار می‌یافت. برای نمونه، سنائی سوادهای مختلفی از حدیقه منتشر کرد، و نجم‌الدین دایه

۴۸. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه: گ ۲۲ پ-۲۳ ر؛ قس. خسرونامه: ابیات ۲۶۶-۲۷۴.

خوانندگان، و تأثیری که احتمالاً شخص عطار به عنوان یک مرشد روحانی داشته است. با در نظر گرفتن این پس‌زمینه، گزارش سرایش دوا مرحله‌ای خسرونامه دیگر غیرمنطقی، متناقض یا مبالغه‌آمیز نیست. درخواست دوستی برای آفرینش یک اثر، از بن‌مایه‌ها و مقولات ادبی رایجی است که لزومی ندارد آن را به معنی تحت‌اللفظی‌اش بگیریم، اما وصفی که در مقدمه از انتشار اولیه و به دنبال آن، بازنگری و دومین «انتشار» آمده، نه تنها شدنی و امکان‌پذیر است، بلکه با آنچه از خلال دیگر آثار عطار درباره عادات ادبی‌اش می‌دانیم، به‌خوبی مطابقت دارد.

بر اساس گواهی خود عطار و ارجاعات درون‌متنی او، می‌توان طرحی برای ترتیب تاریخی نسبی مجموعه آثار او نوشت که می‌تواند توضیح دهد چگونه نسخه‌های فعلی مختارنامه و خسرونامه هر دو به یکدیگر، به‌عنوان اثری تکمیل‌شده، ارجاع داده‌اند. ریتز در سال ۱۹۳۹ یک ترتیب زمانی احتمالی برای آثار عطار پیشنهاد کرد؛ من هم ترتیب تاریخی مشابهی را پیشنهاد می‌کنم که داده‌های تذکرة الاولیا نیز به آن اضافه شده است:^{۵۳}

۱. دیوان [نسخه اول]، شرح القلب، جواهرنامه
۲. خسرونامه [نسخه اول]
۳. منطق الطیر، مصیبت‌نامه، اسرارنامه^{۵۴}
۴. تذکرة الاولیا^{۵۵}

53. RITTER, "Philologika X": 151-52.

۵۴. بعضی از نسخه‌های منطق الطیر دارای بیتی هستند که در آن ادعا می‌شود این منظومه در اواخر قرن ششم پایان یافته است. این بیت در بیش‌تر نسخه‌ها نیست، از جمله در نسخه‌های قدیم‌تر، و تاریخی که در نسخه‌ها آمده از سال ۵۷۰-۵۷۵ تا ۵۸۳ هجری متغیر است. در نتیجه بیش‌تر محققان آن بیت را تصرف کاتب انگاشته و مردودش دانسته‌اند (از سوی دیگر، دشوار بتوان دریافت که انگیزه کاتب از افزودن چنین بیتی چه بوده است). همچنین، نک.

DE BLOIS and STOREY, *Persian Literature*, 5.2: 281;

بدیع‌الزمان فروزانفر، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری (تهران: چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۹؛ تجدید چاپ: آسیم، ۱۳۸۹): ۶۱-۶۳؛

RITTER, "Philologika XIV": 50-56.

شفیعی کدکنی، مقدمه منطق الطیر: ۷۲-۷۴.

۵۵. همچنین ممکن است که تذکرة الاولیا پیش از اسرارنامه، مصیبت‌نامه و منطق الطیر نوشته شده باشد، یا حتی قبل از سرایش اولیه خسرونامه. تنها چیزی که به‌طور قطع مشخص است این‌که تألیف آن پس از شرح القلب و پیش از نابود کردن آن بوده است.

همان مرصاد العباد را بازنگری کرد، نامی دیگر داد، و آن را به حامی جدیدی مجدداً عرضه داشت.^{۴۹} عطار خود نیز در مقدمه مختارنامه گواهی می‌دهد که چندین اثر خود را پس از «انتشار» اولیه، تغییر داده است و این برای مقصودی که ما در این جا داریم بسیار مهم است. مثلاً، او توضیح می‌دهد که دیوانش در اصل سه‌هزار رباعی داشته، اما به اصرار دوستانش، نسخه‌ای بازنگری‌شده پدید آورده و غیر از پانصد رباعی، بقیه را حذف کرده است. از رباعیات حذف‌شده، دوهزار رباعی را در مختارنامه آورده و پانصد رباعی دیگر را «که لایق این عالم نبود»^{۵۰}، از میان برد. به همین صورت، عطار در تذکرة الاولیا به جواهرنامه و شرح القلب به‌عنوان آثار تکمیل‌شده اشاره می‌کند و خوانندگان را برای مطالعه شرح مشبع کلمات اولیا به آن‌ها ارجاع می‌دهد.^{۵۱} با این حال، در مختارنامه خبردار می‌شویم که عطار این دو منظومه را بعدها از میان برده است.^{۵۲} بنابراین، در باب دیوان، شرح القلب و جواهرنامه باید گفت که عطار آثار تکمیل‌شده را در حلقه خوانندگان در نیشابور انتشار داده بوده، پیش از آن‌که در آن‌ها بازنگری کند یا به‌طور کامل از انتشار آن‌ها جلوگیری کند. این حقیقت که عطار قادر بوده آثار «منتشرشده»‌اش را به این شیوه کنترل کند، گواهی است بر محدود بودن انتشار آن، تنگ بودن حلقه

49. J. T. P. DE BRUIJN, *Of Piety and Poetry: The Interaction of Religion and Literature in the Life and Works of Ḥakīm Sanā'ī of Ghazna* (Leiden: Brill, 1983): 119-39; Barbara FLEMMING, "From Archetype to Oral Tradition: Editing Persian and Turkish Literary Texts", *Manuscripts of the Middle East* 3 (1998): 7-11; Franklin LEWIS, "The Modes of Literary Production: Remarks on the Composition, Revision and 'Publication' of Persian Texts in the Medieval Period", *Persica* 17 (2001): 69-83.

۵۰. فریدالدین عطار، مختارنامه، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۹): ۷۱. درباره مختارنامه نک.

Austin O'MALLEY, "Poetry and Pedagogy: The Homiletic Verse of Farid al-Din 'Attār" (PhD diss., University of Chicago, 2017): 58-68.

باید توجه داشت که هیچ یک از نسخه‌های موجود دیوان چیزی نزدیک به پانصد رباعی ندارد، و بیش‌تر آن‌ها کلاً رباعی ندارند. نسخه تجدیدنظرشده خود عطار به احتمال زیاد باز هم بازنگری و اصلاح شده است، حال یا از جانب خود او یا بعدها، به‌دست کاتبان.

۵۱. فریدالدین عطار، تذکرة الاولیا، تصحیح محمد استعلامی (همراه با تجدیدنظر) (تهران: زوار، ۱۳۸۳): ۴، ۴۶۶.

۵۲. عطار، مختارنامه: ۷۰.

۵. از بین بردن شرح القلب و جواهرنامه
۶. بازنگری دیوان و گردآوری مختارنامه
۷. الهی نامه
۸. بازنگری خسرونامه

سرایش اولیه خسرونامه، علی‌الادعا بر اثر تحریک دوستی صورت می‌گیرد که اغلب اوقات شرح القلب و جواهرنامه ورد زبانش بوده، و تعداد زیادی از اشعار دیوان و تمام رباعیات مختارنامه را از بر داشته‌است. در نتیجه، شرح القلب و جواهرنامه بایستی پیش از آن سروده شده باشند و احتمالاً نسخه‌ای از دیوان هم. ارجاع به مختارنامه مسئله‌سازتر است، زیرا ظاهراً در آن مقطع زمانی، هنوز رباعیات به‌عنوان یک اثر مجزا و خارج از دیوان وجود نداشته‌اند. به‌هرحال، چنان‌که ریتز پیشنهاد می‌کند، توضیحی موجّه و قابل قبول برای آن وجود دارد: اگر گزارش شاعر از بازنگری در خسرونامه را بپذیریم، اشاره به مختارنامه - که خود راهی است برای اشاره به رباعیات به‌مثابه یک کلیت - می‌توانسته در طول فرایند بازنگری داخل متن شده باشد (در واقع، ممکن است عطار در همان زمان در کلّ مقدمه دست برده باشد).^{۵۶} به نظر نمی‌رسد دوست مذکور عطار با مثنوی‌های عارفانه و اخلاقی عطار آشنایی داشته بوده باشد، در نتیجه محتمل است که آن‌ها پس از نسخه اولیه خسرونامه سروده شده باشند. مشخص کردن محل قرار گرفتن تذکرة الاولیا در این ترتیب تاریخی و این‌که پیش و پس کدام آثار قرار می‌گیرد نیز دشوار است، اما از آن‌جا که عطار در آن از شرح القلب به‌عنوان اثری که وجود داشته سخن به میان آورده، بایستی پیش از این‌که آن را از بین ببرد تذکرة الاولیا را نوشته باشد. از طرف دیگر، در مختارنامه به حرق و غسل شرح القلب و جواهرنامه اشاره می‌کند، پس بایستی آن را پس از تذکرة الاولیا نوشته باشد. طبق مقدمه مختارنامه، این اثر هم‌زمان با بازنگری جدید دیوان پدید آمده‌است، و در همین مقدمه، ذکری از خسرونامه (که ممکن است به همان صورت بازنگری‌نشده بوده باشد)، منطق الطیر، مصیبت‌نامه، و اسرارنامه به‌عنوان آثار تکمیل شده به میان آمده‌است. پس از

آن عطار الهی‌نامه را، که در مختارنامه نامی از آن نیامده، می‌سراید و این پیش از بازنگری خسرونامه است که در آن، او نام مختارنامه و تمام مثنوی‌های اخلاقی و پندآموز تکمیل شده‌اش را می‌آورد.

این مسیر حرفه‌ای که شرح آن رفت، با عمل کرد شاعرانی که با آنان آشنایی بیش‌تری داریم مطابقت دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که شاعران پیشامدرن اغلب گرایش داشتند که کارشان را با سرودن اشعاری با قافیه پایانی یکسان [از جمله غزل و قصیده و قطعه] آغاز کنند، و در طول حیات حرفه‌ای‌شان به این کار ادامه می‌دادند، و بعدها سراغ سرودن مثنوی می‌رفتند و همراه با آن، به تدوین اشعار قدیمی‌تر می‌پرداختند.^{۵۷} عطار احتمالاً پیش‌بینی کرده بوده که دست بردن و بازنگری در خسرونامه آخرین کار او خواهد بود و این حقیقت (همراه با مسائل مربوط به نوع ادبی) می‌تواند توضیح دهد که چرا او تمایل بیش‌تری داشته که عناوین آثار پیشین خود را در این منظومه بیاورد تا در مثنوی‌های دیگرش: در پایان حیات ادبی و این جهانی‌اش، احساس نیاز می‌کرده که مقام ادبی خود را به معرض تماشا بگذارد.^{۵۸}

در نتیجه، از نظر تاریخی ممکن است که عطار خسرونامه را سروده باشد، چه بر حسب پشتوانه نسخ خطی و چه از دید تکوین مجموعه آثارش. با وجود این، ممکن است باز هم خود را ناگزیر بدانیم که به دلایلی دیگر این انتساب قدیمی را رد کنیم. به‌طور ویژه، شفیع کدکنی استدلال می‌کند که سبک ادبی خسرونامه و نگرشی که به تصوّف دارد با عادات ادبی و صوفیانه‌ای که از آثار مسلم عطار قابل شناسایی است ناسازگار است. با این حال، همان‌گونه که خواهیم دید، این استدلال‌ها کمتر از آن‌چه در بادی امر به نظر می‌رسد قانع‌کننده‌اند.

۵۷. این خط سیر حرفه‌ای با تاریخ‌گذاری مثنوی‌ها توسط شفیع کدکنی نیز سازگار است؛ او برآن است که مثنوی‌ها پس از دیدار عوفی از نیشابور در حدود ۶۰۰ سروده شده‌اند، و طبق برآورد او، عطار مثنوی‌های خود را در میان‌سال‌های سروده‌است (شفیع کدکنی، مقدمه منطق الطیر: ۷۲-۷۴).
 ۵۸. گرچه عطار در دیگر مثنوی‌های اخلاقی-تعلیمی خود عناوین آثار دیگرش را نیاورده، در مقدمه‌های مثنوی که بر تذکرة الاولیا و مختارنامه نوشته، از آثارش سخن به میان آورده و مشکلی با ذکر آن‌ها نداشته‌است.

56. RITTER, "Philologika X": 151-52.

دلایل مربوط به تاریخ تصوّف

طبق نظر شفیعی کدکنی، مقدّمه خسرونامه اصطلاحات و مفاهیمی دارد که از عرفان ابن عربی اخذ شده و مشخصه دوره‌های بعدی تاریخ ادبی فارسی است، و همین امر خاستگاه قرن نهمی/پانزدهمی مقدّمه و در نتیجه، ساختگی بودن آن را اثبات می‌کند. با این حال، گرچه غالباً تصور می‌شود که ابن عربی در تاریخ تفکر عرفانی ایجادکننده یک خط افتراق شدید است، او از خلأ سر برنیاورده و اصطلاحات و مفاهیمی که شرح و بسط داده همگی در قرون پیش از او هم شایع بوده‌اند. در واقع، بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم به‌ظاهر اکبری که شفیعی کدکنی در خسرونامه شناسایی کرده‌است، در حقیقت در آثار مسلّم عطار نیز وجود دارند. حضور آن‌ها، چنان‌که ملاحظه خواهیم کرد، با سبک شخص عطار و نگرش او به تصوّف سازگار است و بنابراین، لزومی ندارد که به‌دنبال خاستگاهی پسین‌تر از زمانه عطار باشیم.

بخش‌های زیادی در خسرونامه وجود دارد که به‌ظاهر مصداق‌هایی هستند برای مفهوم عرفانی-فلسفی «وحدت وجود». گرچه ابن عربی خود هرگز این اصطلاح را به کار نبرده‌است، او را سرچشمه اصلی نظریه‌ای می‌دانند که نماینده آن مفهوم وحدت وجود است، یعنی وحدت الهی شالوده همه موجودات را شکل می‌دهد.^{۵۹} چنین رویکردی مشخصاً در برخی از ابیات خسرونامه آشکار است، گرچه باید توجه داشته باشیم که این مفاهیم در ابیات مورد بحث برجستگی چندانی ندارند. ابیات زیر احتمالاً مربوط‌ترین ابیات به این مفهوم باشند:

در آن وحدت دو عالم را شکی نیست
که موجود حقیقی جز یکی نیست
خداست و خلق جز نور خدا نیست
ولی زو نور او هرگز جدا نیست
حقست و نور حق چیز دگر چیست
بباید گفت حق جز حق دگر کیست

59. William CHITTICK, "Rumi and Wahdat al-wujūd", in: *Poetry and Mysticism in Islam: The Heritage of Rumi*, ed. Amin BANANI, Richard G. HOVANNISIAN, and Georges SABAGH (New York: Cambridge University Press, 1994): 62.

اگر آن نور را صورت هزارست

ولی در پرده یک صورت نگارست^{۶۰}

این ابیات تکثر این جهانی را به‌منزله تجلّی وحدت الهی تبیین می‌کنند، یعنی همان مفهوم‌سازی‌ای که شفیعی کدکنی آن را در آثار عطار ناآشنا می‌داند، و معتقد است که عطار، خالق و مخلوق را کاملاً از یکدیگر مجزاً نگاه می‌دارد. گرچه «وحدت وجود» به‌طور قطع فلسفه نظری مسلط بر آثار عطار نیست، در واقع، او اغلب اوقات در اندیشه وحدت اساسی هستی است. به‌عنوان مثال، ابیات بالا را با این بخش از تحمیدیۀ منطق الطیر مقایسه کنید:

در نگر کاین عالم و آن عالم اوست

نیست غیر او و گر هست آن هم اوست

جمله یک‌ذات است اما متّصف

جمله یک حرف و عبارت مختلف^{۶۱}

نمونه‌های متعدّد دیگری در آثار مسلّم عطار وجود دارد که در آن او این مضمون علی‌الادّعا اکبری هم‌ذاتی خالق با آفریدگانش را مطرح می‌کند.^{۶۲}

شفیعی کدکنی بعدها استدلال می‌کند که پدیدآورنده خسرونامه از اصطلاحات خاصی استفاده می‌کند که از فلسفه نظری ابن عربی در باب اسامی الهی اخذ شده‌است، به‌ویژه مسمّی و اسماء که مسمّی دلالت بر ذات حق و اسماء دلالت بر جهان دارد.^{۶۳} اما این اصطلاحات نیز بارها در آثار مسلّم عطار با همان دلالت فلسفی ظاهر شده‌اند.^{۶۴} این‌گونه نیست که بگوییم عطار آثار ابن عربی را، که آثار مهمش را پس از تاریخ احتمالی درگذشت

۶۰. شفیعی کدکنی، مقدّمه مختارنامه: ۴۸-۴۹.

• [البته در مقدّمه مختارنامه مصرع پنجم به‌صورت «حق است و نور حق چیز دگر نیست» ضبط شده‌است.]

۶۱. فریدالدین عطار، منطق الطیر، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۷): ابیات ۶۲-۶۳.

۶۲. همان: ابیات ۱۱۲۴-۱۱۲۸.

۶۳. شفیعی کدکنی، مقدّمه مختارنامه: ۴۹-۵۰.

۶۴. فریدالدین عطار، دیوان عطار نیشابوری، تصحیح مهدی مدائنی و مهران افشاری (تهران: چرخ، ۱۳۹۲): غزل ۳۶۲، قصیده ۱۰؛ فریدالدین عطار، مصیبت‌نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۸): ابیات ۴۱۸، ۵۰۸۵-۵۰۸۷؛ فریدالدین عطار، اسرارنامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۸): ابیات ۶۹۶-۶۹۸.

عطار تألیف کرده، می‌خوانده‌است،^{۶۵} بلکه این نشانه دیگری است از این‌که بسیاری از عقاید و اصطلاحاتی که به ابن‌عربی ربطشان می‌دهیم، مادامی که متفکران صوفی به سنت پیشین می‌پرداختند و آن را جرح و تعدیل می‌کردند، به‌طور پیشینی در فضا وجود داشته‌اند. صورت‌بندی‌هایی که آموزه‌های ابن‌عربی را به یاد ما می‌آورند، در آثار بسیاری از پیشینیان و معاصران او از جمله ابن‌الفارض، احمد غزالی، عطار و حتی مولوی نیز یافت می‌شوند؛ اما این‌گونه تناظرهای هم‌شکل لزوماً حاکی از تأثیر مستقیم یکی بر دیگری نیست.^{۶۶}

نکته مهم‌تر، ادعای شفیعی کدکنی است مبنی بر این‌که در خسرونامه از گلشن راز شبستری (درگذشته ۱۳۴۰)، شاعری عارف که به رواج عقاید ابن‌عربی در جهان فارسی‌زبانان کمک کرد، تضمین شده‌است. بیت مورد بحث گفته مشهور حلاج «انا الحق» را با برقراری شباهت میان او و بوته شعله‌وری که خدا به‌واسطه آن با موسی سخن گفت توجیه می‌کند:

رواست انی انا الله از درختی
چرا نبود روا از نیک‌بختی^{۶۷}

مشخص است که اگر سراینده خسرونامه این بیت را از گلشن راز رونویسی کرده‌بود، دیگر نمی‌توانست عطار باشد، که چیزی بیش از یک قرن قبل از آن درگذشته‌بود. با

65. Ahmed ATEŞ, "Ibn al-'Arabī", in: *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., ed. P. BEARMAN et al. (Leiden: Brill Online), posted 2012, https://doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0316.

درباره مرگ عطار نک.

O'MALLEY, "Poetry and Pedagogy": 32-34.

۶۶. نصرالله پورجوادی، سلطان طریقت: سوانح، زندگی و شرح اسرار خواجه احمد غزالی (تهران: آگاه، ۱۳۵۸): ۱۰۴-۱۰۷.

CHITTICK, "Rumi and Wahdat al-wujūd": 70-71, 91-97, 101-4; Th. Emil HOMERIN, ed. and trans., *Umar Ibn al-Fārid: Sufi Verse, Sainly Life* (New York: Paulist Press, 2001): 34-35.

در فصل ضمیمه کتاب، چیتیک از روی مطایبه می‌گوید که عطار متأثر از ابن‌عربی بوده‌است. او می‌خواهد نشان دهد که این صورت‌بندی‌های کلی «وحدت وجود» در سنت شاعرانه فارسی رایج هستند، و اگر کسی باور دارد که آن‌ها لزوماً نشان‌دهنده تأثیر پذیرفتن از ابن‌عربی هستند، لابد این را هم می‌پذیرد که شاعری نظیر عطار، که پیش از نوشته شدن مهم‌ترین آثار ابن‌عربی درگذشته‌است، تا اندازه‌ای متأثر از او بوده‌است.

۶۷. نسخه شماره ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه: گ۵ر؛ قس عطار، خسرونامه: بیت ۱۴۱.

این حال، این بیت در قدیم‌ترین نسخه‌های گلشن راز یا در تصحیح انتقادی صمد موحد دیده نمی‌شود. مصحح، اثری از این بیت را در شرح گلشن راز لاهیجی که بعدها نگارش یافته دیده‌است.^{۶۸} در نتیجه، کاملاً ممکن است که در اصل این بیت سروده عطار باشد و بعدها در میراث متنی شبستری حل شده‌باشد، ضمن این‌که شبستری به اعتراف خود از طرفداران دواتشه عطار بوده‌است.^{۶۹} این‌که نسخه کتابخانه ملی فرانسه از خسرونامه هم این بیت را دارد خود این سناریو را محتمل‌تر می‌کند؛ چرا که زمانی رونویسی شده که گلشن راز حتی پدید نیامده بوده‌است. به‌علاوه، در تذکره عطار جمله‌ای هست که همین نکته را با همین واژگان می‌گوید: «مرا عجب آید از کسی که روا دارد که از درختی آواز آئی انا الله برآید، و درخت در میان نه، چرا روا نبود که از حسین انا الحق برآید و حسین در میان نه».^{۷۰} محتوای نثر تذکره غالباً به‌صورت منظوم در مثنوی‌های عطار دیده می‌شود، و این به نظر می‌رسد نمونه کلاسیک چنین نقل و انتقالی باشد.

افزون بر ادعای تأثیر شبستری و ابن‌عربی، شفیعی کدکنی استدلال می‌کند که مدح سعدالدین بن الریب در خسرونامه، که ظاهراً پیر سراینده بوده‌است، دربردارنده عناوینی است که تا قرن هشتم/ چهاردهم به بزرگان صوفیه اطلاق نمی‌شده‌است؛ به‌ویژه عنوان خواجه و خطاب محترمانه قطب الاولیا.^{۷۱} با این حال، برخلاف این مدعا، عنوان خواجه در متون قرن‌های ششم و هفتم/ دوازدهم و

۶۸. محمود شبستری، مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، تصحیح صمد موحد (تهران: طهوری، ۱۳۶۵): ۱۳۵. در خسرونامه با حرف م و جناسی که شاعر میان احمد (محمد) و احد (خدا) برقرار می‌سازد بازی شده‌است، و شفیعی کدکنی این جناس را ناظر بر دو بیت معروف شبستری می‌داند. به هر حال، دیدیم که برجسته‌ترین بیت مد نظر او در تصحیح انتقادی گلشن راز وجود ندارد، در حالی که آثار مسلم عطار، خود، به‌خوبی مؤید وجود این دست جناس‌ها هستند. نک شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۴۶-۴۷؛ شبستری، آثار شبستری: ۶۷، ۱۲۳؛ عطار، خسرونامه: ابیات ۳۳۲-۳۳۵؛ عطار، مصیبت‌نامه، تصحیح شفیعی کدکنی: ابیات ۳۳۹-۳۴۱، ۴۴۰-۴۴۱.

• [گفتنی است که مصحح مجموعه آثار شیخ محمود شبستری در همان‌جا به‌اختصار اشاره کرده که این استدلال شفیعی کدکنی مردود است.]

۶۹. شبستری، آثار شبستری: ۶۹.

۷۰. عطار، تذکره الاولیا: ۵۱۰.

۷۱. شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۵۱-۵۲؛ عطار، خسرونامه: ابیات ۵۴۰-۵۶۰.

مسائل سبکی

ادّعا شده که خسرونامه برحسب سبک و هنجارهای ادبی نیز دور از آثار مسلّم عطار است. براساس این استدلال، در خسرونامه صنعت التزام به کرات به کار رفته است و این با سلیقه ادبی قرن نهم/ پانزدهم بیش تر سازگاری دارد تا قرون ششم و هفتم/ دوازدهم و سیزدهم. علی‌الخصوص، شفیعی کدکنی اشاره می‌کند که اگر بر اساس برخی از نسخه‌ها بشماریم، در سی بیت نعت پیامبر در آغاز منظومه، واژه «سنگ» بیش از شصت مرتبه آمده است.^{۷۷} این بخش از منظومه، که با خطاب الهی رو به پیامبر آغاز می‌شود، به جنگ احد اشاره می‌کند که گفته می‌شود در طی آن چندین دندان پیامبر بر اثر برخورد سنگ کفار می‌شکند.^{۷۸} گفته شده چنین التزامی، که منتقدان امروزی ممکن است آن را از منظر شاعرانه ناخوش بدارند، دور از سبک عطار و معاصران اوست. کاربرد صنعت التزام به نعت محدود نشده، و در هشت‌هزار بیت خسرونامه نمونه‌های متعدّدی از آن وجود دارد؛ و این یکی از دلایلی است که براساس آن، شفیعی کدکنی در استدلالی که سال ۱۳۵۸ به چاپ رسانده، کل منظومه - و نه فقط مقدمه آن - را متعلق به قرن نهم/ پانزدهم دانسته است.^{۷۹}

به هر روی، این نکته چندان متقاعدکننده نیست، چرا که بررسی دقیق آثار مسلّم عطار نیز نمونه‌های مشابهی از التزام را نشان می‌دهد.^[۹] مثلاً در داستان معروف شیخ صنعان در منطق الطیر، بیست بیت وجود دارد که تقریباً در تمامشان صورتی از واژه «شب» آمده است.^{۸۰} نعت پیامبر در اسرارنامه بخشی است چشمگیر و دارای چهل بیت که هر یک از آن‌ها یک - یا در مواردی دو - نمونه از واژه «انگشت» یا واژه‌ای بسیار نزدیک به آن (مثلاً انگشتی، انگشته) دارد.^{۸۱}

۷۷. شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۴۴-۴۵.

۷۸. عطار، خسرونامه: ابیات ۲۵۸-۲۶۱.

۷۹. شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۴۵.

[۹]. تا جایی که مترجم می‌داند، پیش از نویسنده این مقاله، تیمور مالیر در مقاله «بررسی سبکی خسرونامه برای تبیین صحت انتساب آن به عطار نیشابوری» (بهار ادب ۱۳، پاییز ۱۳۹۰: ۱-۲۰) با آوردن شواهدی از آثار عطار به رد برخی از استدلال‌های شفیعی کدکنی از جمله در زمینه التزام پرداخته است.

۸۰. عطار، منطق الطیر: ابیات ۱۲۴۶-۱۲۶۵.

۸۱. عطار، اسرارنامه: ابیات ۲۰۰-۲۴۱. همچنین، برای ترجمه انگلیسی، نک.

سیزدهم شاهد دارد؛ حتی خود عطار در مثنوی‌های مسلّمش در اشاره به بزرگان صوفیه از آن استفاده کرده است. در الهی‌نامه، دو حکایت به ابوعلی فارمذی منسوب شده، مبلغ صوفی قرن پنجم/ یازدهم که در متن از او با نام خواجه بوعلی یاد شده است.^{۷۲} همچنین در آثار مسلّم عطار به خواجه اکافی، شخصیت مذهبی نیشابوری نسل پیشین عطار، نیز اشاره شده است، و همچنین، حکایتی که خواجه بوعلی دقاق در آن حضور دارد، یعنی همان آموزگار مشهور قشیری.^{۷۳} این عنوان در تذکره عطار هم هست، البته نه در عنوان فصل که در متن حکایات، که در آن مریدان به روال معمول مرادان خود را با عناوینشان یاد می‌کنند. همچنین این عنوان دست‌کم در یک مورد به یک اسم خاص اضافه شده است: خواجه علی سیرگانی.^{۷۴}

عطار عنوان قطب را نیز تقریباً به کرات به کار برده است، به‌ویژه در مقدمه‌های مسجّع زندگی‌نامه‌ها در تذکره. اولیا اغلب با عبارت قطب‌المدار، قطب‌الوقت، قطب‌العالم و قطب‌الدین وصف شده‌اند.^{۷۵} شفیعی کدکنی بر صواب است که ترکیب قطب الاولیا نیامده، اما من چندان تمایلی ندارم که انتساب خسرونامه به عطار را تنها بر این اساس رد کنم که این عبارت منحصر به فرد را در آثار دیگر پیکره متنی او نمی‌توان یافت.^{۷۶}

۷۲. فریدالدین عطار، الهی‌نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم (تهران: سخن، ۱۳۸۸): ابیات ۲۶۶۰، ۶۱۸۰.

• [حکایتی که در بیت ۶۱۸۰ آغاز شده مربوط به خواجه بوعلی طوسی است، نه خواجه بوعلی فارمذی. در هر حال، این نکته در ادّعای نویسنده راجع به کاربرد عنوان خواجه خللی ایجاد نمی‌کند.]

۷۳. عطار، مصیبت‌نامه، تصحیح شفیعی کدکنی: ابیات ۲۰۷۱، ۳۸۲۳، ۴۶۱۳.

۷۴. عطار، تذکره الاولیا: ۳۳۲.

۷۵. همان: ۱۳۸، ۲۴۸، ۴۵۹.

۷۶. گرچه قطب الاولیا تنها یک بار در آثار عطار آمده است، اما دیگر عناوین در پیکره متنی یافت می‌شوند. واژه چکاده به‌طور خاصّی جالب توجه است، یکی از مشتقات واژه چکاد به معنی تارک سر. این کلمه در خسرونامه (بیت ۵۸۰۲)، الهی‌نامه (بیت ۱۳۰۷) و دیوان دیده می‌شود؛ نک. فریدالدین عطار، دیوان عطار، تصحیح تقی تفضلی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶): غزل ۳۶۷. جست‌وجو در سایت گنجور، دیتابیس آنالاین همگانی فارسی، نشان می‌دهد که این کلمه توسط شاعر دیگری استفاده نشده است. به همین شکل، گرچه چکاده در فرهنگ‌نامه‌های مهم دوره مغول و فرهنگ‌های معاصر فارسی تعریف شده است (فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ سخن)، باز هیچ شواهدی خارج از مجموعه آثار عطار به دست نمی‌دهند.

همچنین، در تحمیدیه مصیبت‌نامه قسمت‌های مبسوط و متعددی وجود دارد که در آن‌ها صنعت تکرار آغازین^{۸۰} به کار رفته است؛ از جمله صد بیت که همگی با «چیست» آغاز می‌شوند و سپس یک مفهوم مرتبط با تصوّف توصیف می‌شود.^{۸۲} طبق گفته برگل، که تعدادی از نمونه‌های دیگر را نیز شناسایی کرده، تکرار آغازین و التزام از ویژگی‌های برجسته آثار عطار هستند.^{۸۳} اگر دلبستگی عطار به این صنایع را در آثار مسلّمش در نظر بگیریم، دیگر کاربرد التزام در خسرونامه به‌طور خاص غیرمعمول جلوه نمی‌کند.^{۸۴}

نکته دوم نه به سبک، که به عادات ادبی گسترده‌تر عطار مربوط می‌شود. خسرونامه بیتی دارد که طبق قرائت شفيعی کدکنی، حاکی از آن است که عطار شعرش را به‌نام یک حاکم این‌جهانی کرده است، که به نظر می‌رسد با نكوهش مدح که در آثار مسلّمش دیده می‌شود در تضاد باشد. شدیدترین بروز این گرایش ضدمدحی عطار را در انتهای منطق الطیر [ذیل «فی وصف حاله»] می‌بینیم:

J. CHRISTOPH BÜRGEL, "Some Remarks on Forms and Functions of Repetitive Structures in the Epic Poetry of 'Attār", in: LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*: 208–11.

[10]. Anaphora.

۸۲. فریدالدین عطار، مصیبت‌نامه، تصحیح نورانی وصال (تهران: زوار، ۱۳۷۳): ۴۱–۴۶. شفيعی کدکنی، در تصحیحی که از مصیبت‌نامه به دست داده در اصالت این ابیات شک کرده (و آن‌ها را به بخش ملحقات برده است). هرچند این ابیات در تمام نسخه‌های شناخته‌شده منظومه وجود دارند، در یکی از قدیم‌ترین نسخه‌ها روی صد بیتی که با «چیست ...» آغاز می‌شوند خط کشیده شده و در حاشیه ادعا شده که این ابیات از آن اشترنامه (اثری احتمالاً جعلی منتسب به عطار) است. نگاه کنید به مقدمه مصیبت‌نامه: ۱۰۵، ۱۱۲.

83. BÜRGEL, "Repetitive Structures in 'Attār'.

۸۴. شفيعی کدکنی در این بخش یک استدلال دیگر هم کرده درباره بیت «اگرچه طب بقانونست اما/ اشاراتست در شعر و معما» در مقدمه خسرونامه، که در آن با عناوین کتاب‌های ابن‌سینا (قانون، اشارات)، مراعات النظیر ساخته شده است. طبق گفته شفيعی کدکنی، این بازی لفظی و ایجاد نوعی ایهام تا قرن هشتم رایج نبوده است. به‌علاوه، او استدلال می‌کند که تلقی این‌چنینی از معما و قرار دادن آن در کنار شعر خاص قرن نهم است. با این حال، عطار در آثار مسلّمش نیز با اسامی کتب ابن‌سینا مراعات النظیر ساخته است و اصطلاح «معما» در این بیت به نظر نمی‌رسد که چندان اشاره‌ای به نوع ادبی مشخصی داشته باشد و بیش‌تر به رازهای معنوی که عطار مدعی واکاوی آن در سخن است اشاره دارد. نک. شفيعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۴۵–۴۶. مصیبت‌نامه، تصحیح شفيعی کدکنی: بیت ۸۶۵.

شکر ایزد را که درباری نیم
بسته هر ناسزاواری نیم
من ز کس بردل کجانبندی نهم
نام هر دون را خداوندی نهم
نه طعام هیچ ظالم خورده‌ام
نه کتابی را تخلص کرده‌ام
همت عالیم مدوحم بس است
قوت جسم و قوت روحم بس است^{۸۵}

عطار خود را در قالب فردی می‌نمایاند که با مشارکت در نظام اقتصادی مادح و مددوحي دامن خود را نیالوده است؛ او نه خود را ملازم دربار کرده،^{۸۱} نه کتابی را به مددوحي تقدیم داشته، و نه برای اشعارش صله‌ای دریافت نموده است. به هر حال، خسرونامه بیت زیر را در مقدمه خود دارد، که طبق آن، عنوان این منظومه در تکریم «خسرو روی زمین» خسرونامه نهاده شده است:

به نام خسرو روی زمین را
نهادم نام خسرونامه این را^{۸۶}

به گفته شفيعی کدکنی، با در نظر گرفتن اینکه عطار مدح را بسیار ناخوش می‌داشته، نمی‌توان این بیت را از آن او دانست.^{۸۷} با این حال، اکنون بر من مسلّم نیست که این «خسرو» مورد بحث لزوماً به حاکمی اشاره داشته باشد که شخصیتی تاریخی بوده باشد. نام خسرو مزبور مشخص نیست و تنها با اشاره‌ای مبهم به سلطه او بر گستره زمین ستوده شده است. اگر قصد آن بود که این بیت ستایش یک مددوحي حقیقی باشد، چیزی مبسوط‌تر و مشخص‌تر از آن انتظار می‌رفت. بنابراین، محتمل‌تر به نظر می‌رسد که خسروی که در اینجا بدو اشاره

۸۵. عطار، منطق الطیر: ابیات ۴۶۰۱–۴۶۰۴.

[۱۱]. نویسنده مقاله قافیه بیت نخست را «درباری» خوانده (که موجب اختلال در قافیه می‌شود) و از این روی در گزارش آن «دربار» را به کار برده است. صورت درست کلمات قافیه، همان‌طور که شفيعی کدکنی خوانده، «در باری» است، اما معنی آن با آنچه شفيعی کدکنی گفته است (نک. منطق الطیر: ۷۷۷–۷۷۸) قدری متفاوت است. «در بار بودن» به معنی «زیر بار بودن» است، عموماً؛ چه این بار «مشقت» باشد، چه «اندوه» و چه «مُنت». در بیت محل بحث ظاهراً صورت اخیر (= زیر منت کسی بودن) در نظر بوده است (از آقای مسعود راستی‌پور ازبابت تذکر این نکته سپاسگزارم).

۸۶. عطار، خسرونامه: بیت ۵۸۶.

۸۷. شفيعی کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۴۰–۴۱.

با بزرگان مذهبی و سیاسی روابط مادی و ممدوحی داشت، گرچه او نیز در انتقاد از مدح، رویکردی مشابه عطار در پیش می‌گرفت.^{۹۱} اگر این شاعران علی‌رغم نقدهایی که به مدح داشتند، باز هم وارد روابط مادی و ممدوحی رسمی می‌شدند، هیچ دلیلی نمی‌بینم که بپنداریم عطار نمی‌توانسته گه‌گاه بیتی بسراید که شعر مدحی را فرا یاد آورد.^{۹۲}

در نهایت، به نظر می‌رسد که مقاومت اخیر پژوهشگران در برابر پذیرفتن صحت انتساب خسرونامه به عطار ریشه در این فرض دارد که شاعری نظیر عطار که عمری را به تصوف گذرانده، هیچ‌گاه «داستان عاشقانه‌ای را - که هیچ ربطی به تصوف ندارد» منظوم نمی‌کند.^{۹۳} چنین رویکردی به طرزی تقلیل‌گرایانه مرزی مشخص و تصنعی میان ادبیات «غیرعارفانه» و «عارفانه» رسم می‌کند و از شاعرانی که - گذشته از هر چیز - انسان‌هایی هستند که می‌توانند شخصیتی چندوجهی داشته‌باشند، توقع دارد که میان خروجی‌هایشان وحدت وجود داشته‌باشد. گذشته از این خسرونامه گرچه یک داستان عاشقانه است، در واقع قریحه

شده، یک حاکم این‌جهانی نباشد، بلکه قهرمان این داستان باشد که به‌عنوان امپراتور روم و ایران، می‌تواند کاملاً مناسب عنوان «خسرو روی زمین» باشد.^{۸۸}

در هر صورت، حتی اگر این بیت به‌قصد اشاره به یک حاکم مشخص باشد، باز هم به‌سختی می‌تواند انتساب منظومه به عطار را رد کند. چنین استدلالی انگار می‌کند که شعر مدحی و غیرمدحی کاملاً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و طبق آن، یک اشاره‌کنایی به یک حاکم این‌جهانی بی‌نام، خودبه‌خود شعر را واجد شرایط شعر مدحی تمام‌عیار می‌کند. اما چندان مشخص نیست که عطار چنین وصفی را قبول داشته‌باشد یا نه. ممکن است او این بیت را در بزرگداشت پادشاهی گفته‌باشد که نسبت به او حس قدرشناسی ویژه‌ای داشته، اما غیر از آن که رابطانی در دربار داشته‌باشد که او را به حلقه‌های ادبی درباری معرفی کنند، مشکل بتوان گفت که او هیچ‌گاه بابت یک بیت صرفه مالی به دست آورده‌است.^{۸۹} به‌علاوه، این که عطار به‌گونه‌ای بلاغی شعر مدحی را نکوهش کرده‌است، نباید موجب شود تصور کنیم که او هیچ‌گاه در طول زندگی خود یک بیت در ستایش یک حاکم سیاسی نگفته‌است. نکوهش‌های او تجسم آرمانی افکار و احساساتش است، نه گزاره‌هایی برای بیان واقعیت. سلطان ولد، پسر و جانشین مولوی، «شعر شاعر» را نکوهش می‌کرد، اما با این حال خود تعدادی شعر مدحی بر همان منوال اشعار مدحی سنتی دارد.^{۹۰} سنائی هم

۸۸. متن به‌صورت منادا با خطاب «خداوند» ادامه می‌یابد و از او می‌خواهد که خسرونامه را «ز چشم کورچشمان» دور دارد و «به چشم اهل بینش» نور دارد (ابیات ۵۸۷-۵۹۱). گرچه می‌توان این متن را خطاب به ممدوح در نظر گرفت، می‌شود آن را دعایی به درگاه خدا نیز انگاشت که شاعر از او می‌خواهد میراث ادبی‌اش را حفظ کند.

۸۹. در باب اهمیت داشتن معرف در دربار (در دوره‌های مختلف) نک.

Jerome CLINTON, *The Divan of Manūchihri Dāmghānī: A Critical Study* (Minneapolis: Bibliotheca Islamica, 1972): 29-44; Franklin LEWIS, "Reading, Writing, and Recitation: Sanā'i and the Origins of the Persian Ghazal" (PhD diss., University of Chicago, 1995): 165-68; E. M. SUBTELNY, "Scenes from the Literary Life of Tīmūrid Herāt", in: *Logos Islamikos: Studia Islamica in Honorem Georgii Michaelis Wickens*, ed. Roger SAVORY and Dionisius AGIUS (Toronto: Pontifical Institute of Mediaeval Studies, 1984).

90. Franklin LEWIS, "Soltān Valad and the Political Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mevlevi Tradition after Rumi", in: *Persian Language, Literature and Culture: New Leaves, Fresh Looks*, ed. Kamran TALATTOF (Abingdon, UK: Routledge, 2015): 24-25.

91. LEWIS, "Reading, Writing, and Recitation": 124-25, 176-78; J. T. P. DE BRUIJN, "Comparative Notes on Sanā'i and 'Attār", in: *Classical Persian Sufism from Its Origins to Rumi*, ed. Leonard LEWISOHN (London: Khaniqahi Nimatullahi Publications, 1993): 362-63, 375-77.

۹۲. اشعار متعددی منتسب به عطار وجود دارند که به نظر می‌رسد به ممدوحی سلطنتی تقدیم شده‌باشند. شفیعی کدکنی استدلال می‌کند که به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را اصیل دانست. در تصحیح تفضلی از دیوان عطار، اشعار مورد بحث قصاید شماره ۳، ۹، ۱۴، ۱۵ و ۲۷، و غزل‌های شماره ۲۰۱ و ۳۰۷ هستند. در تصحیح جدیدتر مدائنی و افشاری از دیوان عطار، غزل‌ها آورده نشده‌اند، اما دو تا از قصیده‌ها در بخش ضمايم که مخصوص اشعاری است که انتساب آن‌ها به عطار محلّ تشکیک است با شماره‌های ۱ و ۳ آورده شده‌اند؛ به‌علاوه، در رساله بلاغی شمس قیس رازی شعری به عطار نسبت داده شده‌است که در آن خوارزمشاه محمد بن تکیش را به نام می‌ستاید. این شعر در دیوان عطار دیده نمی‌شود، اما در تصحیح تفضلی، قصیده شماره ۱۵ وزن و قافیه مشابهی دارد. در نتیجه، شفیعی کدکنی گمان می‌برد که این شعر در اصل بخشی از آن شعر بوده و عطار دیگری، که مادی دربار خوارزمشاه بوده، آن را سروده‌است. به‌علاوه، از آن‌جا که در قصیده مورد بحث تعدادی التزام و تکرار به کار رفته، و در خسرونامه نیز تکرار و التزام وجود دارد، شفیعی کدکنی مدعی می‌شود که شاعر هر دو یک نفر است. نیازی به گفتن نیست که این استدلال بیش‌تر از سر حدس و گمان است. نک. شفیعی کدکنی، زبور، ۹۵-۹۹؛ شمس قیس، المعجم فی معاییر اشعار العجم، [تصحیح محمد قزوینی، تصحیح مجدد مدرّس رضوی (تهران: زوار، ۱۳۸۷): ۳۱۵].

۹۳. شفیعی کدکنی، مقدمه مختارنامه، ۳۵-۳۶؛ زرین‌کوب، صدای بال سیمی: ۶۹.

عرفانی و صوفیانه را به طور قطع به نمایش می گذارد، به ویژه در بخش موعظه گرانه ای که در باب ناگزیری مرگ و زیان های ثروت مادی، و ضرورت دوری از دنیا است.^[۱۲] وانگهی، آثار «عارفانه» اصیل عطار نیز نوعی دلبستگی به روایت های عاشقانه را به نمایش می گذارند. برای مثال، در الهی نامه تراژدی عاشقانه بکتاش و رابعه، دختر کعب، آمده است.^{۹۴} حتی چشمگیرتر از آن، حکایت مرحومه در همان الهی نامه، که آشکارا ساختار روایی داستان های عاشقانه یونانی قدیم را به خاطر می آورد. این حکایت به روایت حوادثی می پردازد که زنی در دوری همسرش باید از سر بگذراند و با این حال، پاکدامنی خود را حفظ کند. این حکایت در بردارنده بن مایه های آشنایی است از جمله: مردی که باید تیماردار زن باشد اما عاشق او می شود، اتهامات بی اساس مبتنی بر خیانت زن، نمونه های متعدد عشق در نگاه اول، سفر دریایی، مرگ دروغین، و شناخته نشدن قهرمان پیش از آشکار شدن هویتش در انتهای داستان.^{۹۵} به طور خاص صحنه ای جالب توجه است که طی آن مرحومه پس از سفر دریایی لباس مردانه بر تن می کند تا در قامت یک غلام جوان از آن جا عبور کند و بدین سان، آزارگران و خواستارانش از او دست بردارند. در خسر و نامه نیز گل پس از این که کشتی شکسته می شود و به چین می افتد، همین ترفند را به کار می برد.^{۹۶} به هر روی، عطار در آثار اصیلش آشکارا نشان می دهد که به داستان های عاشقانه بلند علاقه دارد، و خسر و نامه نیز ممکن است به سادگی از دل مجموعه مشابهی از فکر و خیال های

[۱۲]. برای مطالعه قرائتی عرفانی از خسر و نامه نک. تیمور المیر، «بررسی سبک شناسانه...».

۹۴. عطار، الهی نامه: ابیات ۳۷۱-۳۸۶.

۹۵. همان: ابیات ۴۸۴-۷۹۲. لوئیس این افسانه را به انگلیسی ترجمه کرده است؛ برای مطالعه آن نک.

“Tale of the Righteous Woman (Whose Husband Had Gone on a Journey)”, in: *Converging Zones: Persian Literary Tradition and the Writing of History*, ed. Wali AHMAD (Costa Mesa, CA: Mazda, 2012).

همچنین، نک.

Franklin LEWIS, “One Chaste Muslim Maiden and a Persian in a Pear Tree: Analogues of Boccaccio and Chaucer in Four Earlier Arabic and Persian Tales”, in: *Metaphors and Imagery: Studies in Classical Persian Poetry*, ed. Asghar SEYED-GOHRAB (Leiden: Brill, 2012): 164-87; DAVIS, *Panthea's Children*: 105-9.

۹۶. عطار، خسر و نامه: ابیات ۶۴۸۳-۶۸۱۸.

آفرینش گرانه سر برآورده باشد.

جابجایی عناوین و تغییر ادعاها

بگذارید لحظه ای فرض کنیم که خسر و نامه از قلم عطار تراوش نکرده است. در آن صورت، چرا عطار آن منظومه را به عنوان یکی از آثارش در مقدمه مختار نامه، که کلاً در شمار آثار اصیل وی در نظر گرفته می شود، آورده است؟ شفیع کدکنی پاسخی به این مسئله پیچیده می دهد که گرچه مبتکرانه است، اما اساساً قانع کننده نیست. از آن جا که نام الهی نامه در شمار آثار پیشین عطار در مقدمه مختار نامه نیامده است، او فرض را بر آن می نهد که خسر و نامه ای که در فهرست او آمده به داستان عاشقانه گل و هرمز اشاره نمی کند، بلکه منظور از آن مثنوی ای است که نامش نیامده.^{۹۷} بر اساس گفته شفیع کدکنی، عنوان «خسر و نامه» در واقع درخور الهی نامه است، چرا که این اثر شرح گفت و گوهای تعلیمی هفت پادشاه زاده است با پدر خردمندشان، پادشاه، که در منظومه از او با عنوان خلیفه یاد شده است.^{۹۸} بنابراین، او فرض را بر آن می نهد که اسم این منظومه در اصل خسر و نامه بوده است، اما در طول زمان، عنوان آن به عنوان کلی تر الهی نامه تبدیل شده است.^{۹۹} این تغییر نام ممکن است توسط همان جاعل یا جاعلانی صورت گرفته باشد که منظومه عاشقانه گل و هرمز را در قالب خسر و نامه عطار در صورتی جدید ارائه داده اند.^{۱۰۰}

همان گونه که شفیع کدکنی به درستی متذکر شده است، عناوین کتاب های کلاسیک به طرز قابل توجهی سیال و تغییر پذیرند. حتی بسیاری از آثار مسلم عطار نیز با اسامی مختلفی شناخته شده اند: برخی از نسخه های مصیبت نامه عنوان جواب نامه دارند، اسرار نامه را گاهی رمز نامه خوانده اند،^{۱۰۱} و خود عطار نیز از منطق الطیر با نام مقامات

۹۷. توضیح جایگزین من برای نام نیاوردن از الهی نامه این است که این منظومه پس از مختار نامه سروده شده است.

۹۸. شفیع کدکنی، مقدمه مختار نامه: ۵۷-۵۸؛ شفیع کدکنی، زبور: ۸۶-۸۸؛ عطار، الهی نامه: بیت ۴۶۵.

۹۹. درباره عنوان کلی تر الهی نامه، نک.

DE BRUIJN, *Piety and Poetry*: 128.

۱۰۰. شفیع کدکنی، مقدمه الهی نامه: ۵۱، ۵۵.

۱۰۱. فهرست نسخه هایی که عناوین بدیل دارند در این جا آمده است:

RITTER, “Philologica XIV”: 10, 58.

به علاوه، نمی‌توان به سهولت دریافت که چرا کسی باید یک مقدمه مفصل از خود بسازد تا این منظومه خاص را به عطار منتسب کند. درست است که بسیاری از منظومه‌های ساختگی نیز گاهی از طریق جعل عامدانه به او منتسب شده‌است، برای نمونه، عطار تونی لسان الغیب و مظهر العجایب را در قرن نهم/پانزدهم سروده‌است و به‌دروغ آن‌ها را به عطار نیشابوری نسبت داده‌است، اما هنگامی که عطار تونی در حال سرودن آن‌ها بود، نام و آوازه عطار در مقام شاعری پارسا کاملاً تثبیت شده بود. به نظر می‌رسد که تونی می‌خواسته برای مثنوی‌های مذهبی-اخلاقی خود مخاطبان بیش‌تری جذب کند، و شاید هم شاعری با شهرت عطار را از شاعران شیعه فرا بنماید.^{۱۰۶} با وجود این، دشوار بتوان گفت که یک جاعل با بستن خسرونامه به عطار چه نفعی می‌برده است. این منظومه عاشقانه به تصویر ذهنی نسل‌های بعدی از عطار، در مقام شاعری پارسا، کمکی نمی‌کند و با آن مطابقتی ندارد، فلذا نامحتمل است که یکی از دوستان یا مریدان عطار این مقدمه را سروده‌باشد. به همین ترتیب، اگر سراینده گل و هرمز یا یکی از طرفداران او می‌خواسته این منظومه رواج بیش‌تری یابد، باز هم چندان منطقی نیست که آن را به عطار منتسب کند، که نه به‌خاطر داستان‌های عاشقانه‌اش، که به‌واسطه

مجزا فهرست می‌کند، که طبق نظر شفیع کدکنی، نشان می‌دهد که در طول قرن دهم/شانزدهم هنوز در خاطر داشته‌اند که خسرونامه (یعنی الهی‌نامه) و گل و هرمز دو منظومه متفاوتند. با این حال، به ذهن من این‌طور می‌رسد که این شکل از ذکر عناوین را نیز می‌توان به‌سادگی چنین توضیح داد که کتاب‌شناسان عادت داشته‌اند که با اسامی مختلف یک اثر به‌مثابه آثار مستقل و مجزا برخورد کنند؛ و نمی‌فهمم که این چطور ادعای شفیع کدکنی را تقویت می‌کند. شاهد مبهم دیگر شفیع این است که در چاپ سنگی لکهنو، عنوان منظومه «هرمز و گلرخ المشهور بالهی‌نامه» ثبت شده‌است، اما در نسخه کپی‌ای که من از این متن دارم، تنها می‌توانم ببینم که نوشته «هرمز و گلرخ المشهور بخسرونامه». البته این نیز ممکن است که صفحه عنوان‌های دیگری نیز در کار بوده‌اند، اما به هر صورت، این شاهد بسیار متأخر است و احتمالاً چندان قابل اعتماد نیست (نک. شفیع کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۵۸-۵۹).

۱۰۶. این «ادعا» درباب بسیاری از شاعران پیش از دوران صفوی بعدها پس از حیاتشان مطرح شده که شیعه بوده‌اند. مثلاً، درمورد سنائی در این‌جا بحث شده‌است:

DE BRUIJN, *Piety and Poetry*: 13, 73-74.

قس.

LEWIS, "Reading, Writing, and Recitation": 183-85.

طیور و طیورنامه یاد می‌کند.^{۱۰۷} با این حال، گرچه داشتن عناوین مختلف برای مثنوی‌های کلاسیک به اثبات رسیده‌است، هیچ شاهد استواری وجودی ندارد مبنی بر آن‌که الهی‌نامه زمانی با نام خسرونامه شناخته می‌شده‌است. عنوان خسرونامه بر سر هیچ یک از نسخه‌های الهی‌نامه دیده نمی‌شود و هیچ یک از تذکره‌نویسان و کتاب‌شناسان بعدی هم درباره آن منظومه با عنوان «خسرونامه» سخن نمی‌گویند. عطار در خود منظومه نیز هیچ ذکری از عنوان الهی‌نامه نکرده‌است، در حالی که اغلب عناوین آثار دیگر خود را توضیح داده‌است. اگر الهی‌نامه در اصل با عنوان خسرونامه شناخته می‌شده، انتظار داریم که ردی از آن نام اصلی باقی مانده‌باشد، در حواشی نسخه‌ها، در تذکره‌ها، یا در خود منظومه. با این حال، تنها شاهد مهمی که شفیع کدکنی به دست می‌دهد، نسخه‌ای قدیمی از کلیات عطار است که در پشت صفحه اول آن، در یک ترنج مذهب منقش، علاوه بر اسامی دیگر آثار عطار، هم نام الهی‌نامه و هم نام خسرونامه فهرست شده‌اند، گرچه در این کلیات متن خسرونامه نوشته نشده‌است.^{۱۰۸} طبق گفته شفیع کدکنی، این مغایرت نشان می‌دهد که منظومه‌ای که اکنون با نام الهی‌نامه شناخته می‌شود، در هنگام کتابت این نسخه، با نام خسرونامه نیز شناخته می‌شده؛ اما کاتب به اشتباه تصور کرده که هر یک از آن‌ها به اثری مجزا اشاره دارند، در نتیجه آن‌ها را جدا از یکدیگر در ترنج آغازین کتاب آورده‌است.^{۱۰۹} اما کاملاً واضح است که عدم مطابقت میان محتوای ترنج آغازین و محتوای این نسخه باید چگونه تفسیر شود؛ این عدم مطابقت می‌توانسته ناشی از هر گونه آشفتگی یا بدفهمی باشد. شاید کاتب در اصل قصد داشته که متن خسرونامه را هم بیاورد، اما سپس از آن رو که کلاً با دیگر آثار عطار تناسب نداشته، آن را کنار گذاشته‌است.^{۱۱۰}

۱۰۲. عطار، مختارنامه: ۷۰، ۷۲؛ عطار، منطق الطیر: بیت ۴۴۸۷.

۱۰۳. کتابخانه سلطنتی، ۳۲۷؛ نک توضیحات بدری آتابای، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی (تهران: چاپخانه زیبا، ۲۵۳۵): ۷۹۹-۸۰۴؛ مهدی بیانی، فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی (تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۹۷۰): ۹۲-۹۷.

۱۰۴. شفیع کدکنی، مقدمه مختارنامه: ۵۶.

۱۰۵. شفیع کدکنی به دو شاهد مبهم‌تر نیز استناد می‌کند؛ یکی اینکه احمد رازی در هفت اقلیم، خسرونامه، گل و هرمز و الهی‌نامه را به‌عنوان سه اثر

مثنوی‌های اخلاقی‌اش شهرت داشته‌است.^{۱۰۷}

شفیعی کدکنی در مقدمه تصحیحش از الهی‌نامه، که در سال ۱۳۸۷ منتشر شد، لایه‌ای جدید و پیچیده به استدلالش افزود: او اظهار داشت که بخش‌هایی از خاتمه خسرونامه و بخش‌هایی از دیباجه و توحیدیه و نعت آن ممکن است واقعاً به عطار تعلق داشته‌باشد. طبق این فرضیه، گروهی از جاعلان می‌خواسته‌اند منظومه عاشقانه گل و هرمز را به عطار نیشابوری نسبت دهند؛ بنابراین، گزارشی دروغین از چگونگی ساخت این اثر را در مقدمه آن آورده‌اند و برای این‌که این اثر را از آثار مسلم عطار جلوه دهند، بخش‌هایی از دیباجه اصیل عطار را از آنچه امروز با نام الهی‌نامه می‌شناسیم - از جمله توحید خدا و نعت پیامبر - برگرفتند و آن‌ها را در آغاز این منظومه عاشقانه قرار دادند.^{۱۰۸} همچنین جهت آن‌که جعلشان را متقاعدکننده‌تر سازند، بخش زیادی از خاتمه اصیل الهی‌نامه را به خسرونامه اضافه کردند.^{۱۰۹} پس از آن، این جاعلان که الهی‌نامه را «فاقد» دیباجه یا توحیدیه دیدند، به جای آن مجموعه‌ای از ابیات برساخته و بخش‌هایی را که از اسرارنامه عطار و دیگر بخش‌های الهی‌نامه گرفته‌بوده‌اند نشانده‌اند.^{۱۱۰}

شفیعی کدکنی به‌طور کامل توضیح نمی‌دهد که چه استدلالی در پس این ادعای جدید وجود دارد - تنها شاهد متقنی که به دست می‌دهد به اندازه نسبی دیباجه‌ها و خاتمه‌های آثار مختلف عطار مربوط می‌شود -، اما به‌طور کلی به نظر می‌رسد که محرک این استدلال آشفتگی متنی دیباجه فعلی الهی‌نامه بوده‌است، که بازنگری‌های مختلف در آن به نحوی بوده که نمی‌شده آن را در قالب یک تحریر

۱۰۷. شفیعی کدکنی در جایی گفته‌است فضایی که مأمور جمع‌آوری مجموعه آثار بزرگان برای کتابخانه‌های امرا و پادشاهان بوده‌اند در این جعل‌ها دست داشته‌اند؛ چرا که در آن صورت می‌توانسته‌اند در ازای دو نسخه از آثار بزرگان، انعام بیش‌تری نسبت به یک نسخه دریافت کنند (مقدمه الهی‌نامه: ۶۱). با این حال، هنوز روشن نیست که چرا آن‌ها باید دقیقاً همین اثر را به عطار منتسب می‌کردند، با وجود حجم زیادی کاری [که برای انتسابش به عطار باید انجام می‌شد (نک ادامه)].

۱۰۸. شفیعی کدکنی، مقدمه الهی‌نامه: ۵۶-۶۳.

۱۰۹. همان: ۵۰-۶۰.

۱۱۰. همان: ۵۸، ۶۹-۷۱.

مصنّفانه واحد و «موثق» درآورد و همین مایه ناراحتی او شده‌است.^{۱۱۱} گرچه او درباره خصایص سبکی بحثی نمی‌کند، باید توجه داشته‌باشیم که خاتمه خسرونامه شباهت‌های چشمگیری با بخش‌های پایانی آثار قطعی عطار دارد. گوینده با ستودن زیبایی اشعارش و ارزش معنوی آن‌ها آغاز می‌کند، سپس به نقد خود و نفاق و ریا رو می‌آورد و پس از آن برای خودش و مادر در گذشته‌اش طلب بخشایش می‌کند، که یادآور مرثیه عطار برای پدرش در انتهای اسرارنامه است.^{۱۱۲} به هر صورت، برخلاف آن‌که پیش‌تر شفیعی کدکنی براساس شواهد مربوط به حوزه‌های سبک‌شناسی و تاریخ تصوف استدلال کرده‌بود که کلّ متن دیباجه و توحید و نعت خسرونامه ساختگی است، اکنون اظهار می‌دارد که بیش‌تر آن ممکن است اصیل و موثق باشد، گرچه همچنان معتقد است که ابیاتی که پیش‌تر به‌عنوان ابیات مشکل‌دار شناسایی کرده‌بود همچنان جزء افزوده‌ها و تصرفاتی هستند که بعدها وارد متن شده‌اند.^{۱۱۳} به‌علاوه، استدلال جدید او اقتضا می‌کند که این جعلی‌های مورد ادعا پیش از رونویسی تمام نسخه‌های موجود الهی‌نامه صورت گرفته‌باشد، یعنی تا پیش از ۷۲۹ق/ ۱۳۲۸- ۱۳۲۹م؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که او از ادعای جعل این منظومه در دوره تیموری دست کشیده‌باشد، گرچه به‌صراحت بیانش نمی‌کند.^{۱۱۴}

با این حال، این دست جعلی‌هایی که شفیعی کدکنی مطرح می‌کند مستلزم یک دسیسه ادبی در ابعادی به‌واقع حماسی است. به‌طور قطع باید به آشفتگی ادبی دیباجه الهی‌نامه اذعان داشته‌باشیم، اما دشوار بتوان باور کرد که دیباجه اصلی این منظومه را اکنون می‌توان در خسرونامه یافت، و کار انتقال بیت به بیت آن را گروهی از جاعلان در دوره‌های بعد انجام داده‌اند. چگونه می‌توان مرتکب چنین جعلی شد، آن هم در روزگار نسخ خطی و در دو اثری که دست‌به‌دست می‌چرخیده‌اند و یکی از آن‌ها محبوبیت و

۱۱۱. همان: ۶۰-۶۱، ۶۳-۶۷؛ زرین‌کوب، صدای بال سیم: ۷۰.

۱۱۲. عطار، خسرونامه: ابیات ۸۳۳۸-۸۳۶۴؛ عطار، اسرارنامه: ابیات ۳۲۸۲-۳۳۰۱.

۱۱۳. شفیعی کدکنی، مقدمه الهی‌نامه: ۶۴، ۶۸.

114. RITTER, "Philologica XIV": 47.

را متناقض تشخیص داده‌است که به‌سادگی ممکن است ناشی از فرآیند بازبینی و تجدید نظر خود شاعر باشند؛ در واقع، در مقدمه خسرونامه نیز چنین فرآیندی توصیف شده‌است. به‌علاوه، شفيعی کدکنی تصریح می‌کند که این منظومه (به‌ویژه مقدمه‌اش) از جهت سبک و اصطلاح‌شناسی تصوّف با آثار مسلّم عطار تفاوت دارد، اما نشان دادم که در این تفاوت‌ها اغراق شده‌است. در نهایت، اگر این منظومه عاشقانه جعلی است، کسی باید توضیح دهد که چطور عطار در مختارنامه از آن نام برده‌است، و این عقیده جابجایی عناوین، گرچه از جهت نظری ممکن است، اما در این مورد خاص با هیچ شاهدهی تأیید نمی‌گردد.

کوتاه سخن این‌که گرچه استدلال شفيعی کدکنی فاضلانه و پیچیده است، اما نحوه وقوع رخدادها در آن نسبت به گزینه بدیلی که داریم کمتر محتمل است: [گزینه بدیل] یعنی همان که خود عطار در واقع خسرونامه را سروده‌است. قطعاً این توضیح نیز مختصّات خود را دارد، به این معنی که عطار در ژانر داستان عاشقانه طبع‌آزمایی کرده، و صورتی از این منظومه را پیش از مختارنامه سروده، تا بعدها آن را بازبینی و اصلاح کند. این نحوه وقوع رخدادها بسیار ساده‌تر از آن است که تصوّر کنیم که طیّ دسیسه‌ای ادبی، جاعلان عنوان دو منظومه را تغییر داده‌اند، مقدمه‌ای ساختگی جعل کرده‌اند و در آن خسرونامه را به عطار منتسب کرده‌اند، دیباجه الهی‌نامه را به خسرونامه منتقل کرده‌اند، و سپس با موفقیت توانسته‌اند از پخش صورت‌های پیشین هر دو منظومه جلوگیری کنند؛ و تمام این کارها بی هیچ انگیزه روشنی صورت گرفته‌است. تا سروکله شاهدهی تازه و ناقص پیدا نشود، منطقی‌ترین رویکرد به مسئله انتساب خسرونامه به عطار احتیاطاً پذیرش آن است.

تأثیر استدلال شفيعی کدکنی آن‌قدر گسترده بوده که مشکل بتوان درباره آن مبالغه کرد. تقریباً در تمام آثار پژوهشی پیرامون عطار، در حدود نیم قرن اخیر، خسرونامه کنار گذاشته‌شده، با این فرض که انتسابش به عطار جعلی است. اما چنان‌که نشان دادم، استدلال جعلی بودن انتساب آن، در خوش‌بینانه‌ترین صورت، سست است. در نتیجه،

رواجی داشته، آن‌گاه آن‌قدر تمام و کمال که هیچ رد و اثری از صورت‌های اصلی آن آثار باقی نماند؟ هیچ نسخه خطی‌ای از خسرونامه به چشم نیامده که آن مقدمه علی‌الادّعا ساختگی را نداشته‌باشد، و هیچ نسخه بازمانده‌ای از الهی‌نامه نیز وجود ندارد که آن دیباجه یا عنوان علی‌الادّعا اصلی‌اش را داشته‌باشد. نمی‌توانم بفهمم که چگونه ممکن است گروهی از جاعلان توانسته‌باشند چنین توطئه‌ای را به سرانجام برسانند، بی‌آن‌که اکثر نسخه‌های خطی موجود از دو منظومه را در سرتاسر جهان فارسی‌زبانان شناسایی، جمع‌آوری، دستکاری، و مجدداً منتشر کرده‌باشند. و برای آن‌که چنین کاری ارزش انجام داشته‌باشد، عطار بایستی شاعری شهیر و پسندیده بوده‌باشد، که در هر یک از این حالت‌ها، تعداد زیادی از نسخه‌های الهی‌نامه احتمالاً وجود داشته و این کار را برای جاعلان دشوارتر می‌کرده‌است.^[۱۳]

نتیجه

استدلال شفيعی کدکنی، درباب ساختگی بودن انتساب خسرونامه به عطار، در طول چهل سال گذشته تأثیری چشمگیر بر تحقیقات داشته‌است. مع‌هذا، گرچه اغلب به آن ارجاع می‌دهند و به‌صورتی گسترده مورد اقبال بوده‌است، چند نقطه ضعف هم دارد: اوّل این‌که فهرست نسخه‌های مورد استفاده شفيعی برای این استدلال که خاستگاه خسرونامه دوره‌های بعد از عطار است ناقص است؛ او نسخه قدیمی کتابخانه ملی فرانسه را که در اواخر قرن هفتم/ سیزدهم کتابت شده و در نتیجه با تعیین تاریخ قرن نهم/ پانزدهم برای این منظومه در تضاد قرار می‌گیرد، به حساب نیاورده‌است. دیگر آن‌که ارجاعات بینامتنی متقابلی

[۱۳]. شفيعی کدکنی در تعلیقات بیت ۴۹۷۹ مصیبت‌نامه می‌نویسد که از این بیت تا بیت ۵۰۰۵ عیناً در منطق الطیر عطار نیز آمده‌است. به عبارتی، حدود سی بیت اصیل عطار هم در نسخه‌های معتبر منطق الطیر دیده می‌شود و هم در نسخه‌های اساس مصیبت‌نامه. از همین رو شفيعی کدکنی می‌پذیرد که عطار یک قصه مشابه را مناسب هر دو منظومه دانسته‌است (مصیبت‌نامه: ۶۸۷). در نتیجه، می‌توان گفت دیباجه خسرونامه و الهی‌نامه ابیات مشابه داشته‌اند، و این تصمیم خود شاعر، عطار، بوده‌است و دیگر پای دسیسه‌ای ادبی و جاعلانی که دیباجه اثری را بردارند و به اثر دیگری ببندند در میان نیست (از آقای مسعود راستی‌پور ازبابت تذکر این نکته سپاسگزارم).

امیدوارم که این مقاله پژوهشگران را ترغیب کند تا درکی را که از عطار و جایگاه او در تاریخ ادبی دارند با احتمال صحت انتساب خسرونامه به او مورد بازنگری قرار دهند. علی‌الخصوص، لازم است بررسی‌های بیش‌تری درباره زندگی‌نامه عطار و تکوین حیات آفرینش‌گرانه او انجام شود که خسرونامه را هم در شمار آثارش در نظر بگیرد، همان‌گونه که لازم است نتیجه‌گیری‌هایی که پیرامون رابطه عطار با تصوف، گستره آگوه‌های او در شاعری، و پیوندهای بینامتنی ممکن او با ادبای سنت ادبیات عاشقانه داشته‌ایم مجدداً مورد ارزیابی قرار بگیرند. افزون بر این، به هر حال بررسی مذکور گواهی است بر اهمیت تداوم ارزیابی محققان استدلال‌های بنیادینی که در حوزه‌های پژوهشی نقشی سازنده ایفا می‌کنند. یافته‌های پیرامون انتساب آثار بالقوه این توانایی را دارند که در شکل‌گیری پژوهش‌های چندین نسل مؤثر واقع شوند؛ بنابراین، نبایستی آن‌ها را «یک‌بار برای همیشه» انجام داد، بلکه باید به‌دقت آن‌ها را بررسید و باز بررسید، حتی در صورتی که محققانی معتبر آن‌ها را طرح کرده‌باشند و درباب یک اثر نه‌چندان جذاب ادبی باشند. در غیر این صورت، از طریق ارجاع دادن‌های گسترده، نتایجی که به‌طور بالقوه گمراه‌کننده‌اند به‌سادگی به‌مثابه معلوماتی پذیرفته‌شده و نظراتی محققانه و متفق علیه مشروعیت می‌یابند.

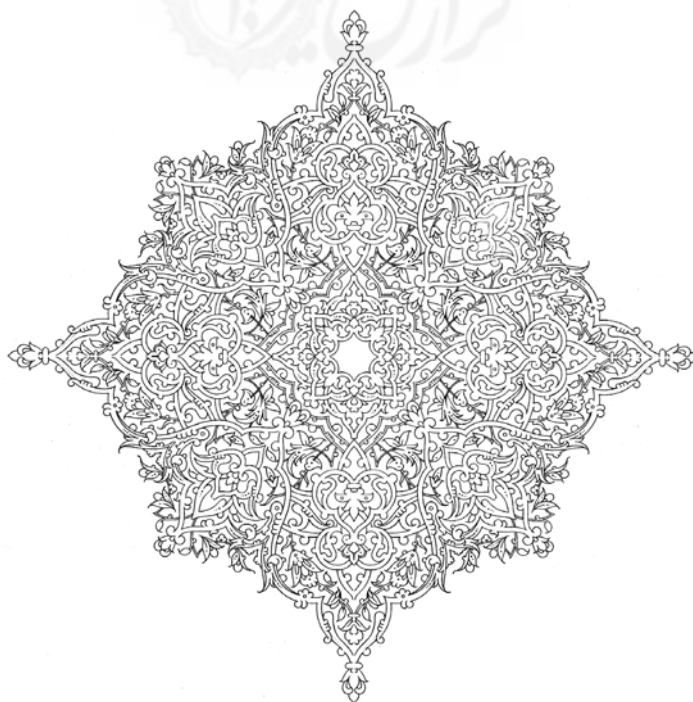
منابع

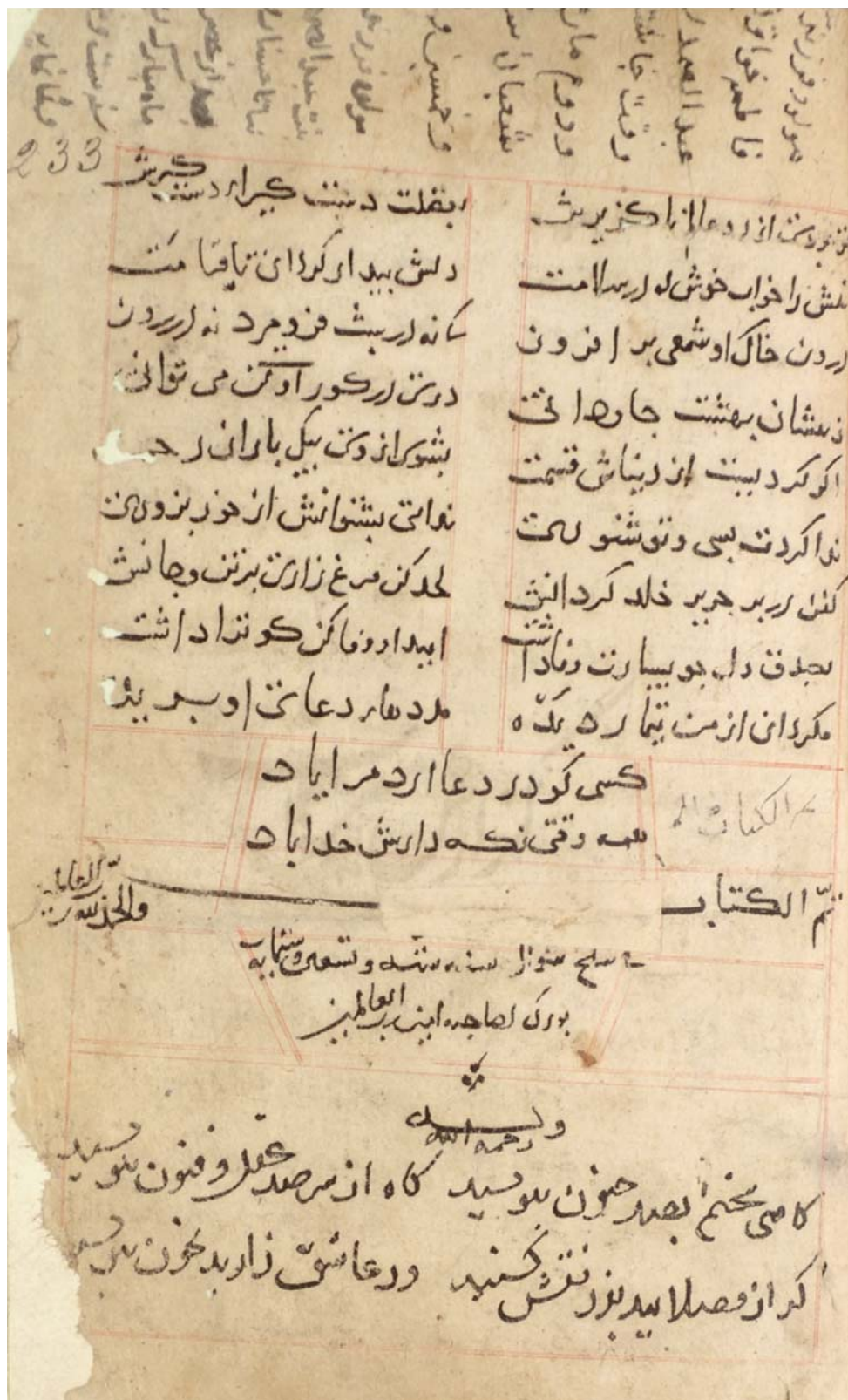
- آتابای، بدری (۲۵۳۵). فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی. تهران: چاپخانه زیبا.
- استعلامی، محمد (۱۳۸۳). ← عطار، ۱۳۸۳ (مقدمه)
- بیانی، مهدی (۱۹۷۰). فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عطار، فریدالدین (۱۳۸۸). اسرارنامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۸). الهی‌نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۹۰۵). تذکرة الاولیا. تصحیح رینولد

- نیکلسون. با مقدمه محمد قزوینی. لندن: لوزاک.
- _____ (۱۳۸۳). تذکرة الاولیا. تصحیح محمد استعلامی. تهران: زوار.
- _____ (منسوب) (۱۲۹۵). خسرونامه. چاپ سنگی. لکهنو: ثمرهند.
- _____ (منسوب) (۱۳۳۹). خسرونامه. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۸۸). مختارنامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۷۳). مصیبت‌نامه. تصحیح نورانی وصال. تهران: زوار.
- _____ (۱۳۸۸). مصیبت‌نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۷). منطق الطیر. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۶). دیوان عطار. تصحیح تقی تفضلی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۲). دیوان عطار نیشابوری. تصحیح مهدی مدائنی و مهران آشوری. تهران: چرخ.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۹). شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری. تهران: آسیم.
- میرانصاری، علی (۱۳۸۴). کتاب‌شناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- منزوی، احمد (۱۳۴۸-۱۳۵۱). فهرست نسخه‌های فارسی خطی. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۵۸). سلطان طریقت: سوانح، زندگی و شرح اسرار خواجه احمد غزالی. تهران: آگاه.
- قزوینی، محمد ← عطار، ۱۹۰۵ (مقدمه)
- شبستری، محمود (۱۳۶۵). مجموعه آثار شیخ محمود شبستری. تصحیح صمد موحد. تهران: طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). زیور پارسی: نقدی به زندگی و غزل‌های عطار. تهران: آگاه.
- شمس قیس رازی [۱۳۸۷]. المعجم فی معاییر اشعار العجم. تصحیح محمد قزوینی، تصحیح مجدّد مدرّس رضوی. تهران: زوار.
- شوشتری، سید نورالله (۱۳۶۵). مجالس المؤمنین. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

- Sanā'ī of Ghazna*. Leiden: Brill, 1983.
- FLEMMING, Barbara. "From Archetype to Oral Tradition: Editing Persian and Turkish Literary Texts". *Manuscripts of the Middle East* 3 (1998): 7–11.
 - HÄGG, Tomas. "The Oriental Reception of Greek Novels: A Survey with Some Preliminary Considerations". *Symbolae Osloenses* 61, no. 1 (1986): 99–131.
 - HOMERIN, Th. Emil, ed. and trans. *Umar Ibn al-Fāriḍ: Su Verse, Saintly Life*. New York: Paulist Press, 2001.
 - ILAHI-GOMESHEI, Husayn. "Of Scent and Sweetness: 'Atṭār's Legacy in Rūmī, Shabistārī, and Ḥāfiẓ". In: LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, 27–56.
 - KERMANI, Navid. *The Terror of God: Attar, Job and the Metaphysical Revolt*. Translated by Wieland HOBAN. Cambridge: Polity Press, 2011.
 - LANDOLT, Hermann. "'Atṭār, Sufism, and Ismailism". In: LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, 3–26.
 - LEWIS, Franklin. "The Modes of Literary Production: Remarks on the Composition, Revision and 'Publication' of Persian Texts in the Medieval Period". *Persica* 17 (2001): 69–83.
 - -----, "One Chaste Muslim Maiden and a Persian in a Pear Tree: Analogues of Boccaccio and Chaucer in Four Earlier Arabic and Persian Tales". In: *Metaphors and Imagery: Studies in Classical Persian Poetry*. edited by Asghar SEYED-GOHRAB, Leiden: Brill, 2012. p 137–203.
 - -----, "Reading, Writing, and Recitation: Sanā'ī and the Origins of the Persian Ghazal". PhD diss., University of Chicago, 1995.
 - -----, "Solṭān Valad and the Political Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mevlevi Tradition after Rumi". In: *Persian Language, Literature and Culture: New Leaves, Fresh Looks*. edited by Kamran TALATTOF. Abingdon, UK: Routledge, 2015. p 23–47.
 - -----, "Tale of the Righteous Woman (Whose Husband Had Gone on a Journey)". In: *Converging Zones: Persian Literary Tradition and the Writing of History*. edited by Wali AHMAD. Costa Mesa, CA: Mazda, 2012. p 200–219.
 - LEWISOHN, Leonard and Christopher SHACKLE, eds. *'Atṭār and the Persian Sufi Tradition: The Art of Spiritual Flight*. London: I. B. Tauris and Institute of Ismaili Studies, 2006.
 - زنجانی، برات (۱۳۶۲). «حکیم نظامی گنجوی و شیخ فریدالدین عطار». آینده، دوره دوم. ش ۹ (اردیبهشت): ۱۰۶–۱۱۴.
 - زرّین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). حکایت همچنان باقی. تهران: سخن.
 - ----- (۱۳۸۶). صدای بال سیم غ. تهران: سخن.
 - ATEŞ, Ahmed. "Ibn al-'Arabī". In: *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., edited by P. BEARMAN, T. BIANQUIS, C. E. BOSWORTH, E. VAN DONZEL, and W. P. HEINRICHS. Leiden: Brill Online. Posted 2012. https://doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0316.
 - BALDICK, Julian. "Persian Šūfī Poetry up to the Fifteenth Century". In: *History of Persian Literature: From the Beginning of the Islamic Period to the Present Day*. edited by George MORRISON, Leiden: Brill, 1981. p 113–32.
 - BLOCHET, E. *Catalogue des manuscrits persans*. 4 vols. Paris: Réunion des bibliothèques nationales, 1905–34.
 - BÜRGE, J. Christoph. "Some Remarks on Forms and Functions of Repetitive Structures in the Epic Poetry of 'Atṭār". In: LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, 197–214.
 - CHITTICK, William. "Rumi and Waḥdat al-wujūd". In: *Poetry and Mysticism in Islam: The Heritage of Rumi*, edited by Amin BANANI, Richard G. HOVANNISIAN, and Georges SABAGH. New York: Cambridge University Press, 1994. p 70–111.
 - CLINTON, Jerome. *The Divan of Manūchihrī Dāmghānī: A Critical Study*. Minneapolis: Bibliotheca Islamica, 1972.
 - CROSS, Cameron. "The Poetics of Romantic Love in Vis & Rāmin". PhD diss., University of Chicago, 2015.
 - DAVIS, Dick. *Panthea's Children: Hellenistic Novels and Medieval Persian Romances*. New York: Bibliotheca Persica, 2002.
 - DE BLOIS, François, and C. A. STOREY. *Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey Begun by the Late C. A. Storey*. 3 vols. London: Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1992–97.
 - DE BRUIJN, J. T. P. "Comparative Notes on Sanā'ī and 'Atṭār". In: *Classical Persian Sufism from Its Origins to Rumi*, edited by Leonard LEWISOHN, 360–79. London: Khaniqahi Nimatullahi Publications, 1993.
 - -----, *Of Piety and Poetry: The Interaction of Religion and Literature in the Life and Works of Ḥakīm*

- 3912_islam_COM_0074.
- -----, "Philologica X: Farīdaddīn 'Aṭṭār". *Der Islam* 25 (1939): 134–73.
 - -----, "Philologica XIV: Farīduddīn 'Aṭṭār II". *Oriens* 11, no. 1/2 (1958): 1–76.
 - SAFI, Omid. "'Aṭṭār, Farīd al-Dīn". In: *Encyclopaedia of Islam*, 3rd ed., edited by Kate FLEET, Gudrun KRÄMER, Denis MATRINGE, John NAWAS, and Everett ROWSON. Leiden: Brill Online. Posted 2016. https://doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_23976.
 - SARFARĀZ, 'Abdu'l-Kādir. *A Descriptive Catalogue of the Arabic, Persian and Urdu Manuscripts in the Library of the University of Bombay*. Bombay: University of Bombay, 1935.
 - SUBTELNY, E. M. "Scenes from the Literary Life of Tīmūrid Herāt". In: *Logos Islamikos: Studia Islamica in Honorem Georgii Michaelis Wickens*, edited by Roger SAVORY and Dionisius AGIUS. Toronto: Pontifical Institute of Mediaeval Studies, 1984. p 137–55.
 - UTAS, Bo. "Did 'Adhrā Remain a Virgin?". *Orientalia Suecana* 33–35 (1984–86): 429–41.
 - YAGHOUBI, Claudia. *Subjectivity in 'Aṭṭār, Persian Sufism, and European Mysticism*. West Lafayette, IN: Purdue University Press, 2017.
 - LEWISOHN, Leonard and Christopher SHACKLE. Editors' introduction to LEWISOHN and SHACKLE, *Spiritual Flight*, xvii–xxvii.
 - NASR, Seyyed Hossein. "Some Observations on the Place of 'Aṭṭār within the Sufi Tradition". In: *Colloquio italo-iraniano sul poeta mistico Fariduddīn 'Aṭṭār* (Roma, 24–25 Marzo 1977). Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1978. p 5–20.
 - O'MALLEY, Austin. "Poetry and Pedagogy: The Homiletic Verse of Farid al-Din 'Aṭṭār". PhD diss., University of Chicago, 2017.
 - PAUL, Ludwig. "Persian Language i. Early New Persian". In: *Encyclopaedia Iranica*, online ed., edited by Ehsan Yarshater. Updated November 19, 2013. <http://www.iranicaonline.org/articles/persian-language-1-early-new-persian>.
 - REINERT, B. "'Aṭṭār, Farīd-al-Dīn". In: *Encyclopaedia Iranica*, online ed., edited by Ehsan YARSHATER. Updated August 17, 2011. <http://www.iranicaonline.org/articles/attar-farid-al-din-poet>.
 - RITTER, Hellmut. "'Aṭṭār". In: *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed., edited by P. BEARMAN, Th. BIANQUIS, C. E. Bosworth, E. van Donzel, and W.P. Heinrichs. Leiden: BrillOnline. Posted 2012. [https://doi.org/10.1163/1573-](https://doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_23976)





تصویر ۱: خاتمه و ترقیمه نسخه ۱۴۳۴ کتابخانه ملی فرانسه، گ ۲۳۳.

Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation?	3-4
--	-----

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHED ; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI	5-8
An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the <i>Khosrow-nāma</i> / Austin O'MALLEY ; Translated by Shokoofe MAYBODI	9-33
Abū-Īshāq-i Kāzīrūnī and Īshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ ; Translated to German by Paul WITTEK ; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI	34-40
A Newly-Found Manuscript of <i>Hizār Hikāyat-i Šūfiyān</i> (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR	41-50
The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	51-55
<i>Bayāz-i Šā'ib</i> (An Anthology of Persian Poems Compiled by Šā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI	56-59
Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of <i>Tārīx-i Sīstān</i> / HamidReza (Babak) SALMANI	60-66
New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (<i>Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy</i>) and His Family / HamidReza FAHNDEJ SADI	67-72
Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājīs in <i>Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zārāyif</i> (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI	73-75
<i>Maktūbāt-i Qadīm</i> or <i>Maktūbāt-i Šadī</i> ? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadegh KHATAMI	76-78
Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Dīn" in <i>Lubāb al-Albāb</i> / Sara SOLEYMANI KASHKOULI	79-80
Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yahyā Tawfīq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR	81-87
Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI	88-95

Reviews and Critiques

The Importance of <i>The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts</i> to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUSHAHI	96-98
A Few Notes on the New Edition of <i>the Small Farāmarznāma</i> , Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO	99-113
Translation or Distortion? (A Few Comments on <i>A Study Of Ṭabā'ī al-Ḥayawān</i>) / Yousuf AL-HADI ; Translated by Salman SAKET	114-123
Some Considerations on the Edited Text of <i>ʿAjāyib al-Dunyā</i> (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR ; Radman RASOULI MEHRABANI	124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING ; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	146-151
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI	152-154
---	---------

On the Previous Articles

On <i>Shin-i Zayī</i> and <i>Sin-i Zayī</i> (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI	155-156
<i>Chand - Chand-e</i> / Masoud RASTIPOUR	157-159

Gozaresh-e Miras

92 - 93

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 5, no. 3 - 4, Autumn 2020 - Winter 2021
[Pub. Spring 2022]**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

General Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation?	3-4
--	-----

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHED; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI	5-8
An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the <i>Khosrow-nāma</i> / Austin O'MALLEY; Translated by Shokoofe MAYBODI	9-33
Abū-İshāq-i Kāzırūnī and İshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ; Translated to German by Paul WITTEK; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI	34-40
A Newly-Found Manuscript of <i>Hizār Hikāyat-i Şūfiyān</i> (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR	41-50
The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	51-55
<i>Bayāz-i Şā'ib</i> (An Anthology of Persian Poems Compiled by Şā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI	56-59
Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of <i>Tārīx-i Sīstān</i> / HamidReza (Babak) SALMANI	60-66
New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (<i>Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy</i>) and His Family / HamidReza FAHDEJ SADI	67-72
Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājis in <i>Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zārāyif</i> (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI	73-75
<i>Maktūbāt-i Qadīm</i> or <i>Maktūbāt-i Šadī</i> ? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadeq KHATAMI	76-78
Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Din" in <i>Lubāb al-Albāb</i> / Sara SOLEYMANI KASHKOULI	79-80
Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yahyā Tawfiq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR	81-87
Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI	88-95

Reviews and Critiques

The Importance of <i>The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts</i> to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUHAHI	96-98
A Few Notes on the New Edition of the <i>Small Farāmarnāma</i> , Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO	99-113
Translation or Distortion? (A Few Comments on <i>A Study Of Tabā'ī al-Hayawān</i>) / Yousuf AL-HADI; Translated by Salman SAKET	114-123
Some Considerations on the Edited Text of <i>'Ajāyib al-Dunyā</i> (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR; Radman RASOULI MEHRABANI	124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	146-151
---	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI	152-154
--	---------

On the Previous Articles

On <i>Shin-i Zayī</i> and <i>Sin-i Zayī</i> (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI	155-156
<i>Chand - Chand-e</i> / Masoud RASTIPOUR	157-159